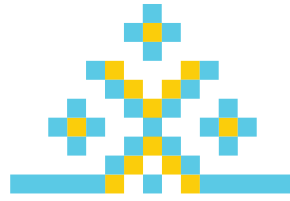




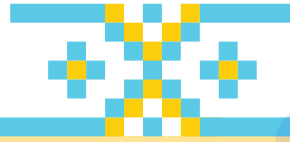
کلیه حقوق این اثر مربوط به بنیاد بین المللی آفاق است و هرگونه کپی برداری و استفاده رایگان شرعاً حرام است.
جهت تهیه این محصول به سایت زیر مراجعه نمایید.

afagh13.ir

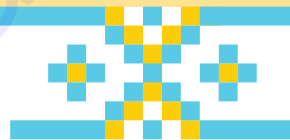


مجموعه آموزش ترجمه و
مفاهیم صحیفه سجادیه

سطح متوسطه

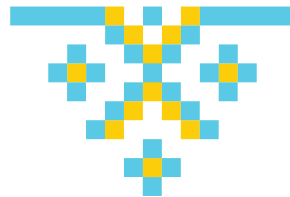


سکاکه مکمله



جلد اول

گروه تدوین متون آموزش
ترجمه و مفاهیم صحیفه سجادیه



درس ۱

در آستان سیدالسادین و صحیفه سجادیه

پروردگار من فرموده: «أَدْعُونِي...»

چه سعادت! یعنی درست می‌شنوم؟ خدای آسمان... خدای زمین... خدای انسان‌های پاک... خدای پیامبران... خدای محمد ﷺ... خدای علی ؑ... خدای همه چیز و همه کس... و من... که هیچم! من کجا؛ خدا کجا؟! باورکردنی نیست! یعنی چنین خدایی به من اجازه داده او را بخوانم و با او صحبت کنم؟ یعنی می‌توانم با او درد دل کنم و بی‌دغدغه از او درخواست داشته باشم؟ بگذار یک بار دیگر بخوانم... «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» خدای من! چه می‌شنوم! یک وعده... از کسی که جز راست نمی‌گوید! وعده استجاب! یعنی واقعاً هرگاه او را بخوانم، پاسخ می‌دهد؟! سخن مولایم امیرمؤمنان ؑ را که می‌شنوم، دلم آرام می‌گیرد؛ آنجا که به فرزندش امام حسن ؑ می‌فرماید:

بدان کسی که ملکوت و خزائن دنیا و آخرت در دست اوست، به تو اجازه داده او را بخوانی و اجابت دعای تو را ضمانت کرده و به تو فرمان داده از او بخواهی تا به تو عطا کند و از او درخواست رحمت کنی، تا رحمتش را نصیب تو کند؛ میان تو و خودش کسی را قرار نداده که مانع ارتباط تو با او شود و تو را به آوردن واسطه و میانجی، وادار نکرده است... هرگاه او را بخوانی، صدای تو را می‌شنود و هرگاه با او نجوا کنی، از نجوای تو آگاه است؛ پس نیاز خود را به درگاه او ببر و سفره دلت را پیش او پهن کن و از دردهایت نزد او شکایت ببر و از او بخواه غصه‌هایت را برطرف کند و در کارهایت از او یاری بخواه و از گنجینه‌های رحمتش چیزهایی بخواه که هیچ‌کس جز او نمی‌تواند به تو بدهد: عمر طولانی، سلامت جسم، گشایش در روزی.

پس کلید خزائن و گنجینه‌هایش را در اختیار تو قرار داده است؛ چون به تو اجازه داده از او درخواست کنی. پس هرگاه خواستی، با دعا کردن درهای نعمتش را بگشا و ابرهای رحمتش را به باریدن وادار... (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

حسابی هول شده‌ام! حالا که اجازه دارم، چگونه او را بخوانم و چه بخواهم، من که ادب حضور ندارم؟! آری، بهترین کار این است که یاد بگیرم؛ پس برای آموختن چه آموزگاری بهتر از زین‌العابدین و سیدالسادین ؑ و چه سرمشقی زیباتر از زبور آل محمد ؑ، صحیفه سجادیه!

■ آشنایی با امام سجاد علیه السلام ■

علی بن الحسین علیه السلام مشهور به زین العابدین و سجاد، بنا بر قول مشهور در سال ۳۸ هجری چشم به جهان گشود و پس از ۵۷ سال عمر بابرکت، در سال ۹۵ هجری چشم از جهان فروبست و در قبرستان بقیع در کنار عموی بزرگوارش امام حسن مجتبی علیه السلام به خاک سپرده شد. امامت این شخصیت بزرگ جهان اسلام، از زمان شهادت پدرش امام حسین علیه السلام در حماسه جانسوز کربلا در سال ۶۱ آغاز شد و ۳۴ سال به طول انجامید.

■ شخصیت برجسته امام سجاد علیه السلام نزد همه مسلمانان ■

از منظر شیعیان، امام سجاد علیه السلام به عنوان چهارمین امام معصوم، جایگاه و عظمتی ویژه و تردیدناپذیر و البته این منزلت، تنها مورد تأیید شیعیان نیست، بلکه دیگر مسلمانان نیز همواره به جایگاه رفیع ایشان معترف بوده‌اند.

بر اساس گواهی نقل‌هایی که در منابع شرح حال عمومی مسلمانان [یعنی منابعی که متعلق به شیعیان نیست] درباره امام سجاد علیه السلام آمده، آن حضرت فرد برجسته و **چهره شاخص اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله** در عصر خود بوده است.

علت این جایگاه و احترام ایشان در میان مسلمانان را علاوه بر نسبت آن حضرت با خاندان عصمت و طهارت، باید در **شخصیت برجسته ایشان از جهت علمی و اخلاقی** جست‌وجو کرد. در آن سال‌ها تنزل جامعه اسلامی از جهت دینی و سیاسی امری آشکار بود. امام سجاد علیه السلام در دورانی به سر می‌برد که غالب ارزش‌های دینی دستخوش تحریف و تغییر امویان شده بود. در سایه چنین حکومتی آشکار است که تربیت دینی مردم تا چه اندازه تنزل کرده، ارزش‌های جاهلی چگونه احیا می‌شد. اما امام سجاد علیه السلام در این شرایط، فردی **زاهد، عابد و عالم** بوده است؛ شخصیتی که همه مردم تحت تأثیر روحیات و شیفته مرام و روش او بوده‌اند.

بسیاری از طالبان علم، راوی احادیث او بوده، از سرچشمه پر فیض او – که برگرفته از علوم پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بوده – بهره می‌جسته‌اند. محمد بن سعد، مورخ و عالم اهل سنت، امام علیه السلام را این‌گونه توصیف کرده است: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثِقَةً مَأْمُونًا كَثِيرَ الْحَدِيثِ عَالِيًا رَفِيعًا وَرِعًا؛ علی بن الحسین فردی موثق، امین، با حدیث بسیار و شخصیتی عالی و باتقوا بود.» شافعی (یکی از ائمه چهارگانه اهل سنت) در رساله حُجَّتِ خبر واحد می‌نویسد: «علی بن الحسین که فقیه‌ترین مردم مدینه بود، بر خبر واحد تکیه می‌کرد.»^۲

۱. الطبقات الکبری، ۲۲۲/۵.

۲. حیات فکری سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، ص ۲۷۹ (با اندکی تصرف).



امام سجاد علیه السلام در زمان خویش به نام‌های **علی الخیر**، **علی الأغر** و **علی العابد** شهرت داشته و به خاطر پینه‌هایی که از فزونی سجده بر پیشانی مبارکش بوده، به ایشان **ذی الثَّقَنَات** می‌گفته‌اند.^۱

■ گوشه‌ای از سیره نورانی امام سجاد علیه السلام ■

کتاب‌های تاریخی و حدیثی، سرشار از مناقب و فضایل این امام بزرگوار و آکنده از سیره اخلاقی و عرفانی ایشان است و بی‌شک این مختصر را یاری پرداختن به آن دریای فضایل نیست؛ بنابراین تنها با اشاره به چند نمونه از مکارم اخلاق و سیره الهی این بزرگوار، این صفحات را نورانی می‌کنیم:

۱. حالات ایشان هنگام عبادت

امام باقر علیه السلام درباره پدر بزرگوارش چنین فرموده است:

هنگامی که علی بن الحسین علیه السلام به نماز می‌ایستاد، همچون شاخه درخت، بی حرکت می‌شد و تنها گاهی باد قسمت‌هایی از لباس ایشان را تکان می‌داد. (الکافی، ۳/۳۰۰)

در روایت دیگری آمده است:

وقتی علی بن الحسین به نماز می‌ایستاد، رنگ چهره‌اش دگرگون می‌شد و وقتی به سجده می‌رفت، از سجده سر بر نمی‌داشت مگر اینکه عرق از سر و رویش جاری بود. (الکافی، ۳/۳۰۰)

ابان بن تغلب که محضر سه امام بزرگوار (امام چهارم تا ششم علیهم السلام) را درک کرده، روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: «با چشمان خود علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که هنگام ایستادن به نماز، رنگ رخساره‌اش دگرگون شد.» امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا قسم، علی بن الحسین علیه السلام می‌دانست در برابر چه کسی می‌ایستد. (علل الشرائع، ۱/۲۳۱)

۲. آقای سجده‌کنندگان

امام باقر علیه السلام درباره نامیده شدن پدر بزرگوارش به **سجّاد** می‌فرماید:

علی بن الحسین علیه السلام هیچ‌گاه نعمتی را به یاد نمی‌آورد، مگر آن که سجده می‌کرد؛ هیچ آیه‌ای از قرآن را که در بردارنده سجده بود نمی‌خواند، مگر آنکه سجده می‌کرد؛ خداوند هیچ‌گاه امر بدی را که از آن می‌هراسید و نیرنگ نیرنگ‌بازی را از او دفع نمی‌کرد، مگر آنکه سجده می‌کرد؛ هیچ زمانی از نماز واجب فارغ نمی‌شد، مگر آنکه سجده می‌کرد؛ هیچ‌گاه میان دو نفر را اصلاح نمی‌کرد، مگر آنکه سجده می‌کرد. آثار سجده در همه مواضع سجود آن حضرت نمایان بود و به

همین سبب ایشان **سجّاد** نامیده شد. (علل الشرائع، ۱/۲۳۳)



۳. دست‌گیری از محرومان و ضعیفان

ابوحزمه ثمالی، از یاران نزدیک امام سجاد علیه السلام می‌گوید:

علی بن الحسین علیه السلام در شب تاریک که از شدت تاریکی کسی دیده نمی‌شد، از منزل بیرون می‌آمد و کیسه‌ای را که در آن کیسه‌های کوچکی از درهم و دینار بود، به دوش خود می‌کشید و به در خانه‌های مختلف می‌رفت و در می‌زد و به هر کس خارج می‌شد، کیسه‌ای می‌داد. وقتی علی بن الحسین علیه السلام از دنیا رفت، دیگر کسی به در آن خانه‌ها نرفت، و از همین جا متوجه شدند که امام سجاد علیه السلام بوده که آن کمک‌ها را به ایشان می‌رسانده است. (علل الشرائع، ۲۳۲/۱)

۴. کسب روزی حلال برای خانواده

امام صادق علیه السلام درباره جد بزرگوارش فرموده است:

علی بن الحسین علیه السلام هر روز صبح زود برای کار و کسب روزی از منزل خارج می‌شد. از ایشان می‌پرسیدند: «ای پسر رسول خدا، کجا می‌روید؟» ایشان پاسخ می‌داد: «می‌روم برای خانواده‌ام صدقه دریافت کنم!» مردم با تعجب می‌گفتند: «صدقه دریافت می‌کنید؟!» ایشان می‌فرمود: «هرکس به دنبال روزی حلال باشد، [آنچه به دست می‌آورد] صدقه‌ای از جانب خداوند تعالی به اوست. (الکافی، ۱۲/۴)

آنچه گفته شد تنها گوشه‌ای از فضایل و سیره نورانی آن امام بزرگوار است و این مختصر گنجایش نقل همه روایاتی را که در این باب در کتاب‌های گوناگون تاریخی و حدیثی آمده، ندارد.^۱

۵. بیان معارف و اصلاح جامعه از رهگذر دعا

«زبان دعا در مکتب اهل بیت علیهم السلام در عین لطافت و شور، القاکننده معارفی بلند در حوزه‌های گوناگون دینی است. چه بسا معارفی که در دعاها وجود دارد و در احادیث کمتر یافت می‌شود؛ زیرا معمولاً مخاطب احادیث ائمه اطهار علیهم السلام عموم مردم بوده‌اند و ائمه علیهم السلام میزان فهم و دریافت آنان را در گفتارها و خطاب‌ها لحاظ می‌کرده‌اند؛ ولی چون مخاطب دعا خداوند تعالی است، امام معصوم آنچه در نگارخانه دل دارد، آشکار کرده است.

بنابراین دعاها از گنجینه‌های بزرگ علمی و تربیتی اسلام به شمار می‌آیند که اسرار و نکته‌های فراوانی را در خود جای داده‌اند. این ویژگی در همه دعا‌های ائمه اطهار علیهم السلام به چشم می‌خورد.^۲

۱. برای نمونه رک: بحار الأنوار، ۵۵/۴۶.

۲. آشنایی با صحیفه سجاده، ص ۱۸ (با اندکی تصرف).



افزون بر این ویژگی عام، دعا‌های امام سجاد علیه السلام ویژگی دیگری نیز دارد. در زمان ایشان دعا نه تنها وسیله‌ای برای بیان معارف بود، بلکه یکی از کارآمدترین سلاح‌ها برای مبارزه با انحرافات اخلاقی و تربیتی جامعه به شمار می‌رفت:

دعا در تقویت بنیادهای دینی جامعه کاربردی دوگانه دارد و دقیقاً همین کاربرد است که سبب شده امام سجاد علیه السلام در آن مقطع تاریخی از این قالب برای نشر اندیشه‌های اسلامی استفاده کند.

دعا از یک سو وسیله‌ای برای ارتباط و اتصال با خداوند است که نه تنها در شرایط عادی، بلکه در شرایط بحرانی دینی و اخلاقی که برای جامعه پیش می‌آید، وسیله‌ای بسیار کارساز در حمایت از اخلاق دینی فرد و اجتماع است؛ و از سوی دیگر دعا قالبی است که با آن می‌توان اندیشه‌های توحیدی و ناب اسلامی را در زمینه‌های گوناگون دین‌شناسی و مباحث کلامی مطرح و مردم را با آن آشنا کرد.

به عبارت دیگر، دعا، به‌ویژه آنجا که در آن از نثر زیبا و عبارت‌های بلند و رسا استفاده می‌شود، ابزاری است که صرف نظر از جنبه محتوایی و معنوی آن، یک قالب هنری برای عرضه مفاهیم دینی است.

در اینجا و با این تحلیل کوتاه می‌توانیم اهمیت استفاده امام سجاد علیه السلام از سلاح دعا در آن شرایط را درک کنیم. شرایط بد اخلاقی و سیاسی جامعه اسلامی، کوته‌فکری و ناآگاهی بسیاری از عالمان، وابستگی آنان به دربار اموی، پایین بودن سطح معلومات دین‌شناسانه آنها و تحریفات آشکاری که به تدریج در مفاهیم اسلامی و توحیدی صورت می‌گرفت، همگی اقتضا می‌کرد که امام سجاد علیه السلام به عنوان مقام امامت فکری جامعه، وظیفه خود را در تشریح مفاهیم دینی و تقویت بنیادهای معنوی جامعه ادا کند.

پاسخ این درخواست، خود را در قالب انشای دعا نشان داد و آن دعاهایی بود که با هدفی مشخص و به طور منظم انشا شده و در اختیار دوستداران آن حضرت قرار گرفته است.

■ آشنایی با صحیفه سجادیه ■

۱. اسامی صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه به نام‌های زیر مشهور بوده است:

- **زبور آل محمد** ﷺ؛ زیرا محتوای زبور حضرت داوود علیه السلام غالباً دعا و مناجات بوده است.
- **انجیل اهل البیت** علیهم السلام؛ انجیل دربردارنده مواعظ حضرت عیسی علیه السلام است و صحیفه سجادیه نیز دربردارنده مواعظ فراوان و اثرگذار است.
- **أخت القرآن**؛ یعنی خواهر قرآن.
- **کامله**.

۲. شمار دعاهای صحیفه

صحیفه کنونی ۵۴ دعا دارد. در مقدمه صحیفه از متوکل بن هارون نقل شده که «امام صادق علیه السلام نیایش‌ها را که ۷۵ باب بود، بر من املا فرمود؛ ۱۱ باب آن را از دست دادم و شصت و چند باب را حفظ کردم». بنابراین باید ۱۰ دعای دیگر در طول زمان از دست رفته باشد. در طول تاریخ علمای گوناگون کوشیده‌اند با جمع‌آوری نیایش‌های گوناگون امام سجاد علیه السلام صحیفه سجادیه را تکمیل کنند. آخرین کوشش که کامل‌ترین مجموعه نیایش‌های امام سجاد علیه السلام است، «الصحيفة السجادية الجامعة» نام دارد که به همت مرحوم آیت الله سید محمدباقر موحد ابطحی ۲۷۰ نیایش از امام سجاد علیه السلام را گردآورده است.

۳. اعتبار صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه یکی از معتبرترین متون روایی به شمار می‌رود. در این زمینه کلام دوتن از بزرگ‌ترین دانشمندان حدیث‌شناس را نقل می‌کنیم:

مرحوم آیت الله بروجردی رحمته الله علیه در مورد صحیفه می‌گوید:

پنهان نیست که تعلق صحیفه سجادیه به امام علیه السلام از **بدیهیات** است و آن زبور آل محمد علیهم السلام است که اسلوب، نظم و مضامین آن که نشانه‌های اعجاز در آن آشکار است، شاهد این امر است. صحیفه اسانیدی دارد که شیخ و نجاشی آن را ذکر کرده‌اند. شارح صحیفه، سید علی خان، نیز سندی از پدران خود دارد و ما نیز سندی دیگر برای آن در اختیار داریم.^۱

۱. البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، ص ۴۰.



مرحوم ملامحمدتقی مجلسی (پدر علامه مجلسی) می نویسد:

شکی نیست که صحیفه کامله از مولای ما سید الساجدین علیه السلام است؛ شاهد این امر، خود صحیفه و فصاحت و بلاغت آن و **اشتمال آن بر علوم الهی** ای است که آوردن آن از غیر معصوم ساخته نیست. ستایش و سپاس مخصوص خداوند جهانیان است، به خاطر این نعمت چشمگیر و بزرگی که تنها نصیب ما شیعیان کرده است.^۱

۴. محتوای صحیفه سجادیه

«صحیفه سجادیه دربردارنده دعاهایی است که بازتاب روح متعالی امام علی بن الحسین علیه السلام و آموزنده شیوه تعظیم و تقدیس الهی، حمد و شکر ربوبی، خاکساری در آستان حق، اعتراف به گناه و تقصیر در مقام بندگی، دل بستگی و عشق و امید به لطف همیشگی و حسن بی مانند الهی و نشان دهنده چگونگی درخواست توفیق، هدایت، خیر، سعادت و نجات از عذاب و غضب خداست. محتوای اعتقادی، اخلاقی، حکمی، موعظه ای و اجتماعی، با قالبی بلاغی و ادبی، ارزش و جایگاه والایی به این کتاب بخشیده و سبب توجه عالمان، حکیمان، عارفان، دل سوختگان، ادیبان و نکته سنجان به این کتاب شده است.»^۲

صحیفه سجادیه کتاب دعای معمولی ای نیست که انسان آن را صرفاً برای برآورده شدن حاجات خود بخواند؛ بلکه کتابی است که به روح انسان تعالی می دهد و آن را به آستان بندگی آفریدگار جهان می رساند. صحیفه کتابی انسان ساز و ارائه دهنده طرح ایجاد جامعه ای کامل و سازنده در قالب دعاست.

اسلام شناس، مفسر، فیلسوف و عارف بزرگ معاصر، علامه طباطبایی رحمته الله علیه، درباره این کتاب ارزشمند می نویسد:

از جمله آثار امام چهارم علیه السلام، ادعیه ای به نام ادعیه صحیفه است و آن ۵۷ دعاست که مشتمل بر **دقیق ترین معارف الهیه** است و به آن زبور آل محمد علیهم السلام می گویند.^۳

۵. صحیفه در حدیث دیگران

صحیفه کامله چون **برآمده از حقیقت و فطرت پاک بشری** است، روی سخن با همه بشر در همه زمان ها دارد؛ از این رو تأثیرپذیری از این **رهاورد بزرگ معنوی**، تنها به شیعیان و معتقدان به پیشوایی امامان معصوم علیهم السلام اختصاص ندارد.

۱. بحار الأنوار، ۶۶/۱۰۷.

۲. آشنایی با صحیفه سجادیه، ص ۱۹ (با اندکی تصرف).

۳. شیعه در اسلام، ص ۱۸۲.



مطالب نقل شده در این زمینه، به خوبی ژرفای این حقیقت را نمایان می‌کند:

۱. در سال ۱۳۵۳ق، آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله علیه (از مراجع تقلید شیعه) نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را برای علامه جوهری طنطاوی (دانشمند اهل سنت و مفتی اسکندریه و مؤلف تفسیر معروف «الجواهر فی تفسیر القرآن») به قاهره فرستاد. وی پس از دریافت و تشکر از این هدیه گران بها و ستایش فراوان در پاسخ نوشته است:

نامه‌ای گرامی، مدتی پیش به ضمیمه کتاب صحیفه از سخنان امام زاهد اسلام، علی زین‌العابدین بن امام حسین شهید ریحانه مصطفی صلی‌الله علیه و آله [به دستم] رسید. کتاب را با دست تکریم گرفتم و آن را کتابی یگانه یافتم که مشتمل بر علوم، معارف و حکمت‌هایی است که در غیر آن یافت نمی‌شود. به‌راستی این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گران‌بهای جاوید که از میراث‌های نبوت و اهل بیت علیهم‌السلام است، دست نیافته بودیم. من هرچه در آن مطالعه و دقت می‌کنم، آن را از گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق پایین‌تر می‌یابم. به‌راستی که چه کتاب ارزشمندی است.^۱

۲. آقای اندره کوفسکی، دانشمند مسیحی از لهستان که کتاب صحیفه سجادیه از مرکز اسلامی آن دیار برای وی ارسال شده است، در نامه‌ای به این مرکز می‌نویسد:

من در حال حاضر مشغول مطالعه ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه هستم که پیش از این برایم ارسال کرده بودید. من عمیقاً تحت تأثیر اندیشه‌های امام مسلمانان، امام سجاد علیه‌السلام قرار گرفته‌ام که افکار بلند و متعالی او در صفحات صحیفه سجادیه تبلور یافته است. مطالعه این اثر گران‌بها و دقت در مضامین و معارف سرشار این کتاب، به شدت روح مرا تحت تأثیر قرار داده، مجذوب خود ساخته و از نو، **خدایی بزرگ به من بخشیده است**.^۲

۳. کتابخانه واتیکان نیز وقتی نسخه انگلیسی صحیفه سجادیه را دریافت کرده بود، نامه‌ای برای تشکر به «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» ارسال داشت و در آن نوشت:

این کتاب، حاوی **مضامین عالی عرفانی** است؛ لذا آن را در بهترین جایگاه کتابخانه جهت استفاده محققان قرار داده‌ایم.^۳

۱. به نقل از مقدمه ترجمه صحیفه سجادیه، صدرالدین بلاغی.

۲. نگرشی کوتاه بر عملکرد ۲۲ ساله مرکز نشر معارف اسلامی در جهان، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۱۳.



۶. خوابی که به حقیقت پیوست

پیش از این، سخن علامه محمد تقی مجلسی رحمته الله علیه (پدر علامه مجلسی رحمته الله علیه صاحب بحار الأنوار) را درباره اعتبار صحیفه سجادیه نقل کردیم.

افزون بر آنچه در آنجا گذشت و نیز سلسله سندهای گوناگون، این عالم بزرگوار دلیلی ویژه برای **اعتماد و محبت به صحیفه سجادیه** دارد که آن را در کتاب ارزشمند «روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه» نگاشته است:

در اوایل بلوغ، در پی کسب رضایت الهی بودم و برای به دست آوردن آن می کوشیدم. شبی میان خواب و بیداری **صاحب الزمان** عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مسجد جامع قدیم اصفهان دیدم که نزدیک در «الطنبی» - که در حال حاضر، محل درس من است، ایستاده است. به ایشان عجل الله تعالی سلام کردم و خواستم پای ایشان عجل الله تعالی را ببوسم ولی اجازه ندادند و مرا گرفتند؛ از این رو دست ایشان را بوسیدم و سؤالاتی که پاسخشان را نمی یافتم، از ایشان پرسیدم. سپس عرض کردم: «مولای من، همیشه برایم ممکن نیست حضورتان شرفیاب شوم؛ کتابی معرفی کنید تا همیشه بر پایه آن عمل کنم.»

ایشان عجل الله تعالی فرمود: «برای تو کتابی را به دوستان "محمد تاج" داده‌ام.» در عالم خواب او را می شناختم؛ از این رو آن حضرت فرمود: «برو و آن را از او بگیر.» از همان دری که مقابل صورت مبارک حضرت بود از مسجد خارج شدم؛ به سوی «دار البطیخ» (محل خریزه فروشان).

هنگامی که به آن شخص رسیدم، همین که مرا دید گفت: «حضرت صاحب عجل الله تعالی تو را به سوی من فرستاده است؟» گفتم: «بله.»

در این هنگام کتابی قدیمی از زیر لباسش بیرون آورد. آن را گشودم و برایم آشکار شد که کتاب دعاست؛ از این رو آن را بوسیدم و به روی چشمم گذاشتم و از نزد او به سوی حضرت صاحب عجل الله تعالی بازگشتم.

ناگهان از خواب بیدار شدم درحالی که آن کتاب همراهم نبود. برای ازدست دادن آن کتاب، تا طلوع صبح، زاری و گریه کردم.

در ذهنم چنین بود که [شاید] مقصود حضرت عجل الله تعالی از «دوستان محمد» همان شیخ بهایی رحمته الله علیه است [چراکه نام ایشان محمد بود] و اینکه حضرت او را «تاج» نامیدند به خاطر شهرت ایشان در میان علما بوده است.



وقتی از نماز و تعقیب فارغ شدم، به مدرسه‌ای که کنار مسجد جامع بود رفتم. شیخ بهایی را دیدم که مشغول مقابله صحیفه سجادیه (یعنی مقایسه یک نسخه با نسخه دیگر) بود. کسی که برای ایشان می‌خواند، «السید الصالح أمير ذو الفقار الجربادقانی» بود.

مدتی نشستیم تا اینکه کار شیخ تمام شد.

ظاهراً موضوع مقابله، سند صحیفه بود؛ ولی من به خاطر اندوهی که داشتم، کلام شیخ و دیگران را نمی‌فهمیدم و پیوسته گریه می‌کردم.

نزد شیخ رفتم و خوابم را برای او تعریف کردم؛ درحالی که برای ازدست دادن کتاب می‌گریستم.

شیخ [در مقام تعبیر خواب] گفت: «مژده باد بر تو به علوم الهی و معارف یقینی و همه آنچه همواره در پی آن بودی!» گفتنی است پیش از آن، موضوع بیشتر هم‌نشینی‌های من با شیخ، عرفان بود و شیخ نیز به آن گرایش داشت.

اما این سخنان شیخ دلم را آرام نکرد و گریان و متفکر بیرون آمدم تا اینکه به دلم افتاد به همان سویی بروم که در خواب رفتم.

به محض اینکه به «دار البطیخ» رسیدم، مرد صالحی را دیدم که نامش «آقا حسن» و لقبش «تاج» بود. وقتی به او رسیدم و سلام کردم، گفت: «فلانی، کتاب‌هایی وقفی نزد من است. بیشتر طلبی که آنها را از من می‌گیرند، به شروط وقف عمل نمی‌کنند ولی تو به آن شروط عمل می‌کنی. بیا و به این کتاب‌ها نگاه کن و هر چه می‌خواهی بردار.»

همراه او به کتابخانه‌اش رفتم. اولین کتابی که به من داد، همان کتابی بود که در خواب دیده بودم. شروع به گریه و ناله کردم و گفتم: «همین برای من کافی است!» به خاطر ندارم که خوابم را برای آقا حسن تعریف کردم یا خیر.

نزد شیخ بهایی آمدم و نسخه‌ای را که به دست آورده بودم با نسخه شیخ مقابله و مقایسه کردم. آن نسخه را جدّ پدرش از روی نسخه «شهید اول» نوشته بود و شهید اول نیز از نسخه «عمید الرؤساء» و «ابن السکون» استنساخ کرده بود و با واسطه یا بدون واسطه با نسخه «ابن ادریس» نیز مقابله کرده بود.

نسخه‌ای نیز که حضرت صاحب علیه السلام به من داده بود، از روی خط «شهید اول» نوشته شده بود. این دو نسخه به شدت به هم شبیه بودند، حتی در نسخه بدل‌هایی که در حاشیه آنها نوشته شده بود!



پس از آنکه من از مقابله فارغ شدم، مردم نزد من می‌آمدند و با نسخه من مقابله می‌کردند. به برکت آنچه حضرت حجت علیه السلام به من دادند، صحیفه کامله در همه شهرها همانند خورشیدی، در هر خانه ای طلوع کرد؛ به ویژه در اصفهان که بیشتر مردم چندین نسخه از صحیفه داشتند و بیشتر آنان انسان های صالح و اهل دعا شدند. بسیاری از آنان مستجاب الدعوه بودند.

این آثار و برکات، معجزه ای از جانب حضرت صاحب علیه السلام بود.

علوم که خداوند تعالی به سبب صحیفه به من داد، بی شمار است و این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛ و الحمد لله رب العالمین.^۱

afagh313.ir



۱. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (چاپ قدیمی)، ۴۲۲/۱۴.

برای پدر و مادرم...

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبَوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

نیایش آن حضرت ﷺ برای پدر و مادرش ﷺ

۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ۱) معبودا، توجه مهرورزانه فرما به محمد، بنده و فرستاده‌ات

و به خاندان پاکش

وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

و آنان را ویژگی ده با برترین توجه‌های مهرورزانه خود

وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ

و با مهربانی و برکت‌ها و سلام خود

وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ

۲) و ای معبود من، پدر و مادرم را ویژگی ده

۲) وَ اخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ

با کرامت نزد خویش و توجه مهرورزانه از سوی خود

بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ

ای مهربان‌ترین مهربانان.

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۳) معبودا، به محمد و خاندانش توجه مهرورزانه فرما

۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

و دانش (حقوقی) که برای آن دو بر من واجب است،

وَ أَلْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَيَّ إِلهَاماً

چنان‌که شایسته است به من الهام فرما

وَ اجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَاماً

و دانش همه آن حقوق را به شکل کامل برایم گرد آور

آنگاه مرا به انجام آنچه فرمان می‌دهی برگمار

ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تُلْهَمْنِي مِنْهُ

و توفیقم ده، به دانشی که مرا بدان بینا می‌سازی

وَ وَفَّقْنِي لِلتَّفُؤُودِ فِيمَا تُبْصِّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ

عمل کنم

حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ
 وَ لَا تَثْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْخُفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ
 تا انجام هیچ چیزی که به من آموخته‌ای از من فوت نشود
 و اعضايم در خدمت کردن در راه آنچه به من الهام
 فرموده‌ای، سنگینی نکنند.

نمایی از دعا

پدر و مادر چه جایگاهی نزد خداوند ﷻ دارند؟
 چگونه می‌توانیم از حقوقی که پدر و مادر بر ما دارند، آگاه شویم و آنها را ادا کنیم؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

عَبْدٌ	رَسُولٌ	الطَّاهِرِينَ	أَفْضَلُ	وَالَّذِي
أَلْهَمَ	اجْتَمَعَ	وَفَّقَى	حَتَّى	لَا تَثْقُلَ

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
صَلَّى	توجه مهروززانه فرما	ماده «صل و» به معنای منعطف و خمیده شدن است. انسان هنگامی که می‌خواهد به کسی توجه ویژه و مهربانانه داشته باشد به سوی او خم می‌شود و او را می‌نوازد؛ بنابراین در ذکر صلوات از خداوند ﷻ می‌خواهیم توجهی ویژه و مهربانانه به پیامبر ﷺ و خاندان پاک او داشته باشد.

■ سفارشی عرشی ■

می‌دانید قرار است برای چه کسانی دعا کنیم؟
 کسانی که بودن، ماندن و بالیدنمان را مدیون آنها هستیم.
 کسانی که صادقانه عمرشان را نثار ما کردند و آسایش خود را برای آسایش ما به تاراج دادند.
 کسانی که از عرش سفارش آنان را کرده‌اند:

﴿ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ
 أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴾

«و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم»

مادرش درحالی که بر ضعفش افزوده می‌شد، او را حمل کرد و مدت شیرخوارگی او دو سال بود
 [سفارش کردیم] که مرا و والدینت را سپاس گزار؛ به سوی من است فرجام.»

اینان کیست‌اند که آسمانیان به همراه آفریدگار جهان، این‌گونه هوایشان را دارند؟!
 اینان کیست‌اند که آفریدگار هستی این‌گونه شکرشان را به شکر خود پیوند می‌زند؟!
 اینان کیست‌اند که ندای ﴿إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ پشتوانه حقوق آنان قرار می‌گیرد؟!!

بیاید اعتراف کنیم هنوز آنان و بلندای جایگاهشان را نشناخته‌ایم.

پس چه نیکوست که از امام سجاد ع درباره **پدران و مادرانمان** بیشتر بیاموزیم.

■ صلوات و پیوند آن با نیایش والدین ■

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

جای جای صحیفه سجادیه آکنده از عطر دل‌انگیز صلوات است؛ عطری که جانمان را صفا
 می‌دهد و آن را برای **دریافت الطاف الهی** و در نتیجه **برآورده شدن حاجاتمان** آماده می‌کند.
 از امیرمؤمنان ع روایت شده:

إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانُهُ حَاجَةٌ فَأَبْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ ص ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ...؛
 هرگاه حاجتی به درگاه خدای سبحان داشتی، دعایت را با ذکر صلوات آغاز کن و سپس
 حاجتت را بخواه؛ چراکه خداوند کریم‌تر از آن است که دو حاجت از او بخواهند، آنگاه یکی
 را روا کند و دیگری را رها! (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱)



امام سجاد علیه السلام نیز به نقش صلوات در برآورده شدن حاجاتمان اشاره فرموده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ... صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتَهَا وَتَيَانُنَا نَفْعَهَا وَ يُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا؛
معبودا، به محمد و خاندانش توجه مهرورزانه فرما... توجهی که برکتش به ما برسد و
نفعش عائد ما شود و به خاطر آن، دعای ما مستجاب شود. (نیایش ۴۵، بند ۵۶)

اما آغاز این نیایش با صلوات، لطف دیگری نیز دارد: «صلوات، پدران و مادران معنوی مان را به یادمان می آورد.» روایت زیر مقصود از این سخن را آشکارتر می سازند:

۱. در روایتی، امام موسی کاظم علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ مَنْ وَ عَلِيٌّ دُوْا پِدْر اَيْن اَمْت هَسْتِيم.» راوی معنای این سخن را از امام کاظم علیه السلام پرسید و ایشان پاسخ داد: «إِنَّ شَفَقَةَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله عَلَى أُمَّتِهِ شَفَقَةُ الْأَبَاءِ عَلَى الْأَوْلَادِ وَأَفْضَلُ أُمَّتِهِ عَلِيٌّ علیه السلام وَ مِنْ بَعْدِهِ شَفَقَةُ عَلِيٍّ علیه السلام عَلَيْهِمْ كَشَفَقَتِهِ صلی الله علیه و آله لِأَنَّهُ وَصِيَّهُ وَ خَلِيفَتُهُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَهُ؛ همانا دلسوزی پیامبر صلی الله علیه و آله برای امتش، دلسوزی پدران نسبت به فرزندان است و برترین امتش علی علیه السلام است و پس از او، دلسوزی علی علیه السلام همانند دلسوزی اوست؛ چراکه علی علیه السلام، وصی و جانشین اوست و امام پس از اوست.» (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۸۵)

۲. در روایتی از حضرت زهرا علیها السلام آمده است: «أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ يُقِيمَانِ أَوْدَهُمْ وَ يُنْقِذَانِهِمْ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا وَ يُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَافَقُوهُمَا؛ دو پدر این امت محمد و علی هستند که امور آنان را سامان می دهند. اگر مردم از آن دو پیروی کنند، از عذاب همیشگی نجاتشان می دهند و اگر با آن دو همراهی کنند، نعمت همیشگی را به کام آنان روا می سازند.» (التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، ص ۳۳۰)

۳. در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ؛ امام همان هم دم همراه، پدر دلسوز، برادر تنی و مادر نیکوکار به فرزند خردسال است.» (الکافی، ۱/ ۲۰۰)

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام پدران معنوی ما هستند که برایمان دل می سوزانند و ما را از عالم خاک به سوی عالم پاک می پروراندند. این نکته، آغاز این نیایش با صلوات را لطفی ویژه می بخشد!

■ آنان که شایسته برترین هاند ■

وَ اٰخِصُّهُمْ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ

در این فراز از پروردگاران می خواهیم با برترین صلوات و نیز مهربانی و برکت ها و سلامش، به



محمد ﷺ و خاندانش ﷺ ویژگی و برتری دهد، بی شک ویژگی هایی دارند که آنان را شایسته این امور می کند. امام سجاد علیه السلام در فراز پیشین با ذکر عناوین زیر به برخی از آن ویژگی ها اشاره فرمود:

• «عَبْدٌ» و «رَسُولٌ» برای حضرت محمد ﷺ • «الطَّاهِرِينَ» برای اهل بیت ایشان ﷺ

۱. عبودیت

در زمان های قدیم هرگاه کسی بر دیگری پیروز می شد و تسلط می یافت، می توانست او را «عبد» (بنده) خود قرار دهد و «مولای» (سرور) او شود.

مولا در حقیقت، مالک عبد و مالک همه درایی های او بود؛ حتی اراده و اعمال عبد نیز به مولا تعلق داشت. به بیان دیگر، عبد که یکی از اموال مولایش بود، باید دقیقاً بر اساس اراده و خواست او عمل می کرد و حق نداشت اراده ای در برابر اراده مولای خود داشته باشد.

بنابراین وقتی می گوییم حضرت محمد ﷺ، عبد و بنده خدا ﷻ بود، یعنی خدا ﷻ را مالک حقیقی خود و تمام درایی هایش می دانست و اراده ای در برابر اراده او نداشت. او در حقیقت، خودش و در نتیجه، اراده اش را فانی در خدا و اراده او کرده بود.

می توان از قرآن کریم استفاده کرد «مقام عبودیت» والاترین مقامی است که انسان می تواند به آن دست یابد؛ زیرا قرآن کریم، هدف از آفرینش جنیان و آدمیان را چنین ترسیم می کند: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶)؛ «و جن و انسان را نیافریدم مگر برای اینکه مرا بندگی کنند.» بنابراین کسی که به مقام عبودیت و بندگی برسد، به نهایت جایگاهی که می توان برایش تصور کرد، دست یافته است.

۲. رسالت

واژه رسالت افزون بر اینکه از شدت قرب و نزدیکی حضرت محمد ﷺ به پروردگار هستی خبر می دهد، حق بزرگی را نیز که ایشان بر ما دارد یادآور می شود؛ امری که دل های ما را آکنده از مهر آن حضرت می کند و گل واژه صلوات را بر لبانمان می نشاند. امام سجاد علیه السلام در جایی این حق بزرگ را به یاد می آورد و بی درنگ برترین صلوات را نثار پیامبر ﷺ می کند: «وَأَنْتَ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ حَمَلْتَهُ رِسَالَتِكَ فَأَدَّاهَا وَآمَرْتَهُ بِالنُّصُوحِ لِأُمَّتِهِ فَتَنَصَّحَ لَهَا * اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ...» و [شهادت می دهم] محمد بنده و فرستاده و برگزیده ات از میان آفریدگان توست که رسالتت را بر عهده او نهادی و آن را ادا فرمود؛ او را به خیرخواهی برای امتش فرمان دادی و برای آنان خیرخواهی نمود؛ معبودا، اکنون که چنین است بر محمد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر هر یک از بندگان درود فرستاده ای...» (نیایش ۶، بند ۲۲ و ۲۳)



۳. طهارت

در بخشی از فراز ۵۶ نبایش ۴۷، امام سجاد علیه السلام اهل بیت پیامبر را چنین معرفی می‌کند:

«رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَايِبِ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ... طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِزَادَتِكَ؛ پروردگارا، به اهل بیت او که خوب‌ترین‌ها هستند توجه مهرورزانه فرما؛ همانان که... به خواست خود از هر پلیدی و آلودگی کاملاً پاکشان گردانیدی.»

آئینه در آئینه

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

جز این نیست که خداوند می‌خواهد
هرگونه پلیدی را از شما خاندان ببرد
و شما را پاک و پاکیزه گرداند

احزاب: ۳۳

در اهمیت مقام طهارت اهل بیت علیهم السلام همین بس که آنان به واسطه طهارتشان چنان با عالم قدس پیوند خورده‌اند که می‌توانند به حقیقت قرآن آن‌گونه که شایسته است دست یابند:

﴿ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴾ (واقعه: ۷۷-۷۹)؛ «سوگند که آن قرآنی گرامی است * در نوشته‌ای سرپوشیده * که جز پاکیزه‌شدگان به آن دست نمی‌رسانند.»

■ ویژه‌هایی برای پدر و مادرم ... ■

وَ اٰخِصِّ اللّٰهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

پس از درخواست برترین‌ها برای پدران معنوی‌مان، اکنون با حالت تضرع و زاری از معبود خود می‌خواهیم که پدر و مادرمان را با دو امر، ویژگی و برتری دهد:

۱. کرامت نزد خود

کرامت به معنای **ارزشمندی و گران‌قدری** است.

۲. توجه مهرورزانه از جانب خود

پس از این دو درخواست برای پدران و مادرانمان، پروردگاران را با نام «أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ مهربان‌ترین مهربانان» ندا می‌دهیم؛ نامی که در این نبایش سه بار تکرار شده است. این امر در هیچ‌یک از نبایش‌های دیگر صحیفه یافت نمی‌شود!

گویا پدر و مادر که مهربانی خود را صادقانه و خالصانه نثار فرزندانشان می‌کنند و جلوه‌ای زیبا از مهربانی پروردگار را به نمایش می‌گذارند، ارتباط ویژه‌ای با این نام دارند؛ این نام به راحتی می‌تواند جویبارهای رحمت و مهربانی پروردگار را به سوی آنان سرازیر کند.



برای پدر و
مادرم ...

■ آگاهم کن... ■

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لُهُمَا عَلَيَّ إِلَهُمَا وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَاماً

بار دیگر با صلوات دل‌هایمان را جلا می‌دهیم تا چند خواسته مهم را به درگاه پروردگاران ببریم:

۱. دانش وظایف و حقوقی را که برای آن دو بر من واجب است، به شایستگی به من الهام فرما و در دلم افکن؛ به‌گونه‌ای که با تمام وجودم آن را به‌روشنی درک و درستی آن را تصدیق نمایم؛

۲. به شکلی کامل همه آن دانش را برایم گرد آور؛ به‌گونه‌ای که از هیچ‌یک از وظایفم درباره آنان بی‌خبر نمانم و ناخواسته آن را زیر پا نگذارم.

پرسش:

به راستی چرا از خداوند ﷻ تقاضای الهام می‌کنیم؟ مگر همه ما طهارت و آمادگی کافی برای دریافت الهام الهی را داریم؟!

پاسخ:

- اولاً: الهام امری نیست که ویژه افرادی خاص با طهارت و پاک‌ی ویژه باشد؛ بلکه همه موجودات ذی‌شعور بهره‌هایی هر چند ضعیف از الهام دارند؛ البته هرچه لوح وجودی انسان پاکیزه‌تر و سفیدتر باشد، الهام‌های قوی‌تر و روشن‌تری بر آن نقش می‌بندد؛
- ثانیاً: برخی از موضوعات به‌گونه‌ای هستند که بیشتر انسان‌ها آمادگی پذیرش الهام درباره آنها را دارند. این موضوعات چنان با فطرت انسان گره خورده‌اند که اندکی توجه به آنها کافی است تا حقایق درباره آنها بر لوح وجود انسان نقش ببندد؛ به‌ویژه زمانی که انسان به درگاه الهی تضرع کند و از او بخواهد که آن حقایق را به او الهام فرماید. به نظر می‌رسد وظایف انسان در برابر پدر و مادر خود، از این موضوعات باشد.

آئینه در آئینه

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

و توفیق من جز به خدا نیست

بر او توکل کردم و به سوی او بازمی‌گردم

هود: ۸۸

■ توفیقم ده... ■

در فراز پیشین دو خواسته به درگاه خداوند ﷻ بردیم که ناظر به حوزه ادراک و آگاهی بودند؛ اما در اینجا دو خواسته مهم دیگر مطرح می‌کنیم که مربوط به حوزه اقدام و عمل هستند:



درس دوم
نیایش ۲۸

۱. چنانچه کن که به آنچه در دلم می افکنی عمل کنم (ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ) از این فراز می توان دریافت که صرف آگاهی از یک وظیفه، انسان را به عمل وانمی دارد؛ بلکه علاوه بر آن، باید انگیزه و نیروی (روحی و جسمی) کافی برای عمل در درون انسان وجود داشته باشد. به نظر می رسد در این فراز، این انگیزه و نیروی درونی را از خداوند ﷻ درخواست می کنیم؛

۲. توفیقم ده برای عمل به دانشی که مرا به آن بینا می سازی (وَ وَفَّقْنِي لِلنُّوْذِ فِيمَا تَبَصَّرْتَنِي مِنْ عِلْمِهِ)؛

حتی باوجود انگیزه و نیروی کافی درون انسان، اگر شرایط بیرونی فراهم نباشد، امکان عمل وجود نخواهد داشت. به نظر می رسد در این فراز سامان یافتن شرایط بیرونی برای عمل به وظایفمان را از خداوند ﷻ درخواست می کنیم.

■ «نه» به حتی یک کوتاهی!

حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ وَلَا تَتَّقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ

با دقت در این فراز دوبخشی درمی یابیم:

- بخش اول آن (حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ) با بخش دوم فراز پیشین (وَ وَفَّقْنِي لِلنُّوْذِ فِيمَا تَبَصَّرْتَنِي مِنْ عِلْمِهِ) ارتباط دارد؛ بنابراین در مجموع دو فراز از خداوند ﷻ این درخواست را داریم: «برای عمل به دانشی که مرا به آن بینا ساخته ای توفیقم ده؛ به گونه ای که بتوانم به همه آنچه به من آموخته ای عمل کنم و هیچ یک از آنها از دستم نرود.»
- بخش دوم آن (وَلَا تَتَّقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ) با بخش نخست فراز پیشین (ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ) ارتباط دارد؛ بنابراین در مجموع دو فراز از خداوند ﷻ این درخواست را داریم: «چنانچه کن که به آنچه در دلم افکنده ای عمل کنم؛ به گونه ای که هیچ یک از اعضایم در خدمت کردن در راه ادای حقوقی که به من الهام فرموده ای، دچار سنگینی و تنبلی نشود.»

چنان که گذشت، این بیان بیشتر با فراهم آمدن انگیزه و نیروی درونی تناسب دارد؛ زیرا ثقل ارکان (تنبلی اعضا) معمولاً ناشی از نبود انگیزه یا نیروی جسمی و روحی کافی برای عمل به وظایف است.



رواق اندیشه

در عنوان نیایش آمده است: «نیایش آن حضرت علیه السلام برای پدر و مادرش علیهما السلام»
با توجه به اینکه والدین امام سجاد علیه السلام به ویژه پدر بزرگوارشان امام حسین علیه السلام
دارای ویژگی های والا و خاصی بوده اند، آیا ممکن است خواسته های والایی که
امام سجاد علیه السلام در این نیایش مطرح می کند، مخصوص والدین خودشان باشد؟

وقتی عنوان هر یک از نیایش های صحیفه را با محتوای آن نیایش می سنجیم، در خواهیم
یافت که در مواردی، آن عنوان با محتوای نیایش خود، سازگاری اندکی دارد؛ از این رو احتمال
دارد برخی عناوین موجود را خود امامان معصوم علیهم السلام انتخاب نکرده باشند و برخی از راویان
صحیفه آنها را به ابتدای نیایش ها افزوده باشند؛ بنابراین عنوان این نیایش نمی تواند ملاک
مناسبتی برای قضاوت درباره پرسش بالا باشد.

بهترین راه برای رسیدن به پاسخ این پرسش، توجه به محتوای این نیایش است؛ محتوایی
که گواهی می دهد این نیایش، اختصاص به پدر و مادر گرامی امام سجاد علیه السلام ندارد؛ چراکه:

اولاً: هرکس اندکی به رنج هایی که والدینش برای او کشیده اند، توجه کند و جایگاه والایی را که
قرآن و روایات برای پدر و مادر ترسیم کرده اند، در نظر آورد، بی هیچ دغدغه ای پدر و مادر
خود را شایسته این خواسته های والا می یابد؛

ثانیاً: برخی از فرازهای این نیایش نکاتی در بر دارند که به روشنی میان اغلب پدران و مادران
مشترک هستند؛ مانند فراز هفتم، نهم و دهم که در درس های آینده بررسی خواهند شد.

ثالثاً: می توان ادعا کرد که اساساً امام سجاد علیه السلام این نیایش را برای آموزش به عموم شیعیان
انشاء فرموده است؛ نه صرفاً برای دعا در حق پدر و مادر خویش؛ چراکه برخی از فرازهای آن
به هیچ وجه با مقام عصمت امام حسین علیه السلام سازگاری ندارد؛ برای نمونه در فراز نهم آمده
است: «بارخدا یا، هر گفتاری را که در آن به من ستم کردند یا کرداری را که در آن، درباره
من زیاده روی کردند یا حقی را که از من تباه گرداندند یا وظیفه ای را که در آن نسبت به
من کوتاهی کردند، به آنان بخشیدم!»

آیا می توان تصور کرد که امام حسین علیه السلام چنین کارهایی را مرتکب شده باشد؟!



درس دوم
نیایش ۲۸

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

عَبْد	اَجْمَعُ	أَفْضَلُ	أَلْهَمُ	عربی
				فارسی
فرستاده	واجب کردی	پدر و مادرم	توفیق ده، موفق کن	فارسی
				عربی

۲. ترجمه کنید.

وَازْگَانَ	اَلْخُصُّصُ	هُمُ	بِ	أَفْضَلِ	صَلَوَاتِ	كَ
ترجمه واژه به واژه						
ترجمه روان						

۳. توضیح دهید چه پیوندی میان صلوات و نیایش والدین وجود دارد؟

۵. مقصود از اینکه «حضرت محمد ﷺ، عبد خدا بود» چیست؟

۶. فراز سوم به غیر از صلوات، شش بخش دارد. هر یک از این بخش ها به چه حوزه‌ای مربوط است؟

مراجعه و مطالعه

- با مراجعه به رساله حقوق امام سجاد علیه السلام حقوقی را که ایشان برای پدر و مادر بیان کرده‌اند، بر شمرید و بررسی کنید.



برای پدر و
مادرم ...

فرزندان آسمانی

۴) معبودا، به محمد و خاندانش توجه مهرورزانه فرما
به پاداش آنکه ما را به وجود او شرافت بخشیدی
و به محمد و خاندانش توجه مهربانانه فرما
به پاداش آنکه به سبب او برای ما حقی بر آفریدگان
واجب فرمودی.

۵) معبودا، چنانم کن که از هیبت آن دو بهراسم
چنان که از هیبت پادشاهی ستمکاره می هراسند
و به آن دو نیکی ورزم چنان که مادری مهربان نیکی
می ورزد
و فرمان برداری ام از والدینم و نیکی ام به آن دو را
در چشمم شیرین تر از خواب در چشم خواب آلود
و دل چسب تر از خنکای آب برای تشنه کام قرار ده،
تا خواست آن دو را بر خواست خود برگزینم
و خشنودی آن دو را بر خشنودی خود مقدم بدارم
و نیکی آن دو به خود را، بسیار انگارم هر چند اندک باشد!
و نیکی خود به آن دو را، اندک انگارم هر چند بسیار باشد!

۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ
وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
كَمَا أُوجِبَتْ لَنَا الْحَقُّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

۵) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا
هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ
وَ أُبْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ
وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيْي وَ بَرِّي بِهِمَا
أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ
وَ أَثْلَجَ لِصَدْرِي مِنْ شَرِبَةِ الظَّمَانِ
حَتَّى أُوَثِّرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا
وَ أُقَدِّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا
وَ أُسْتَكْتَبِرَ بِرَّهُمَا بِي وَ إِنِّ قَلٌّ
وَ أُسْتَقِيلَ بِرِّي بِهِمَا وَ إِنِّ كَثُرُّ

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي

وَ أَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي

وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي

وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي

وَ صَيِّرْ نِي بِهِمَا رَفِيقاً

وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقاً

﴿٦﴾ معبودا، صدایم را برای آن دو، آهسته گردان

و گفتارم را برای آن دو، دل نشین فرما

و خُلق و خویم را در برابر آن دو، ملایم کن

و دلم را به آن دو، متمایل و مهربان ساز

و مرا با آن دو، همراه گردان

و مرا نسبت به آن دو، دل سوز گردان!

نمایی از دعا

اگر بخواهیم فرزندی خوب و آسمانی برای پدر و مادر خود باشیم،
نگاهمان نسبت به آنها چگونه باید باشد؟
در تعامل و ارتباط با آنها چه نکاتی را باید رعایت کنیم؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

شَرَفَتْ	أَوْجَبَتْ	بَرَّ	الْوَسْطَانِ	الظُّمَانِ
أَوْثَرَ عَلَى	هَوَى	أُقَدِّمَ عَلَى	رَضَى	قَلَّ
كَثُرَ	أَطْبَ	أَلِنْ	رَفِيقِ	شَفِيقِ

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
العَسُوفِ	بسیار ستمگر	ماده «عسوف» به معنای انجام کاری بدون فکر و طی کردن مسیری بدون داشتن هدف است که به معنای ظلم کردن نیز استفاده شده است. عَسُوف، اسم مبالغه به معنای شخص بسیار ستمگر است.
الرَّءُوفِ	بسیار مهربان	ماده «رأف» تقریباً هم معنا با ماده «رحم» به معنای مهربانی کردن است؛ البته اهل لغت تفاوت‌هایی میان این دو ماده ذکر کرده‌اند؛ مثلاً گفته‌اند: رأفت شدیدتر از رحمت است؛ یا گفته‌اند: رأفت در جایی به کار می‌رود که شخص مورد مهربانی، گرفتار و نیازمند باشد.
أَسْتَكْثِرُ	بسیار انگارم	ماده «كثرت» به معنای زیاد بودن است. أَسْتَكْثِرُ از باب استفعال است. یکی از معانی باب استفعال یافتن، دیدن و انگاشتن صفتی در چیزی است. «أَسْتَكْثِرُ الشَّيْءَ»؛ یعنی آن چیز را زیاد دید؛ آن چیز را زیاد انگاشت؛ کم و ناچیز تلقی کرد.
أَسْتَقِلَّ	اندک انگارم	ماده «قلل» به معنای کم بودن است. «أَسْتَقِلَّ الشَّيْءَ»؛ یعنی آن چیز را کم و ناچیز دید؛ کم و ناچیز انگاشت؛ کم و ناچیز تلقی کرد.

شرح دعا

■ باز هم صلوات... ■

در درس گذشته با معنای صلوات، نقش آن در دعاها و ارتباط ویژه آن با نیایش والدین آشنا شدیم. شاید به واسطه همان ارتباط ویژه باشد که بار دیگر، این ذکر شریف را با رنگ و بوی **قدرشناسی** تکرار می‌کنیم؛ چراکه نیایش والدین **نیایش قدرشناسی** است. در فراز چهارم دو بار صلوات می‌فرستیم و هر بار، قدرشناسانه به یکی از برکات وجودی پیامبر ﷺ اشاره می‌کنیم:

۱. خدا ﷻ به سبب آن حضرت ﷺ به ما مسلمانان شرافت بخشید (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ)؛ چراکه:

- حضرت محمد ﷺ شریف‌ترین آفریده خداست؛ بنابراین امتش نیز شریف‌ترین امت‌هاست.
- شرافت حقیقی در **گرو طاعت و بندگی** خداست: «فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَّفْتَهُ طَاعَتِكَ وَالْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّنْتَهُ عِبَادَتِكَ» (نیایش ۳۵، بند ۴)؛ حضرت محمد ﷺ با آموزه‌های حکیمانه‌ای که آورد، راه طاعت و بندگی خدا و در نتیجه شرافت را به امت خود نمایاند.



• از رسول خدا ﷺ روایت شده: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَالِدَيْهِ؛ هُرَّكَسَ بِرِجْلِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ» فرستد، خدا و فرشتگانش بر او صلوات می فرستند. (الکافی، ۴۹۲/۲)؛ بنابراین یکی از اسبابی که سبب شرافت ما نزد خدا ﷻ و فرشتگانش می شود، همین صلوات هایی است که نثار پیامبر ﷺ می کنیم و این نیست جز به واسطه وجود مبارک ایشان.

۲. خدا ﷻ به سبب آن حضرت، حقی را برای ما مسلمانان بر همه آفریدگان واجب ساخت (وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا أُوجِبَتْ لَنَا الْحَقُّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ)؛ چراکه:

- هر مسلمان و مؤمنی به واسطه اسلام و ایمانش، بر سایر مسلمانان و مؤمنان حقوقی پیدا می کند که در جوامع روایی به تفصیل ذکر شده اند (رک: الکافی، ۱۶۹/۲)؛ روشن است که به برکت وجود حضرت محمد ﷺ ما مسلمان شده ایم و این حقوق برایمان ثابت شده است؛
- هر مسلمانی به واسطه اسلامش حتی بر غیر مسلمانان نیز حقوقی پیدا می کند که در کتاب های فقهی به آنها اشاره شده است.

■ نگاه الهی به والدین ■

در آموزه های اسلامی، درباره پدر و مادر بر دو امر مهم با شیوه های گوناگون تأکید شده است:

۱. حرمت بی احترامی و آزار رساندن به والدین؛ از امام صادق ع روایت شده:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُشِفَ غِطَاءٌ مِنْ أُعْطِيَةِ الْجَنَّةِ فَوَجَدَ رِيحَهَا مَنْ كَانَتْ لَهُ رُوْحٌ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ إِلَّا صِنْفٌ وَاحِدٌ؛ در روز قیامت، یکی از پوشش های بهشت از روی آن کنار زده می شود و در پی آن، هر جانداري که [حتی] فاصله اش تا بهشت به اندازه طی کردن راهی پانصدساله باشد، بوی آن را درک می کند؛ مگر یک گروه! راوی می گوید: «از ایشان پرسیدم آن گروه چه کسانی هستند؟» امام ع فرمود:

الْعَاقُ لِوَالِدَيْهِ؛ کسی که عاق (آزاردهنده) پدر و مادرش باشد! (الکافی، ۳۴۸/۲)

۲. وجوب احسان و نیکی به والدین؛ خداوند ع بارها در قرآن کریم بر این امر تأکید فرموده و در غالب موارد بلافاصله پس از سفارش به دوری از شرک، به نیکی به پدر و مادر سفارش کرده است (بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۲۳)؛ همین امر به تنهایی میزان اهمیت موضوع را روشن می کند.

نگاه و جهت گیری ما نسبت به پدران و مادران خود باید به گونه ای باشد که زمینه پایبندی به این دو امر را در ما فراهم آورد؛ از سویی مراقب باشیم به آنان آزاری نرسانیم و از سویی دیگر، بگوئیم به آنان نیکی کنیم. در ادامه، این موضوع را در سه محور از پروردگاران درخواست می کنیم:



محور اول: نگاه ما به جایگاه پدر و مادر

جایگاه والدین در نگاه ما باید چنان باشد که **آمیزه‌ای از نهایت احترام و محبت** را نتیجه دهد و چه زیبا امام سجاد علیه السلام آن را به تصویر کشیده است:

- در مقام احترام و پرهیز از نافرمانی و آزار آنان: باید آنان چنان هیبتی در نگاه ما داشته باشند که فرمانروایی ستمگر دارد؛ یعنی همان‌گونه که ما در برابر یک فرمانروای ستمگر مراقب رفتار خود هستیم و با نهایت احترام رفتار می‌کنیم، در برابر پدر و مادرمان نیز باید مراقب رفتار خود باشیم و نهایت احترام را نثار آنان کنیم **(اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابَهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ)**؛
- در مقام محبت و احسان به آنان: باید نیکی و محبت یک‌مادر به فرزندش را نثار آنان کنیم. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، گوشه‌ای از فداکاری‌های مادرانه را برای ما به تصویر کشیده است (این روایت در درس پنجم آمده است). ما نیز باید بکوشیم به همین شیوه مادرانه به پدر و مادر خود نیکی کنیم **(وَ أَتْرَهُمَا بِرَ الْأُمِّ الرَّءُوفِ)**.

محور دوم: نگاه ما به خواسته‌های پدر و مادر

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيْ وَ بَرِي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ وَ أَتْلَجَ لِي صَدْرِي مِنْ شَرِّبَةِ الظَّمَانِ

اشارت و هدایت

امام باقر علیه السلام درباره امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «پدرم علیه السلام از اینکه با مادرش (احتمالاً مقصود، دایه ایشان است) سر یک سفره غذا بخورد، خودداری می‌کرد. برخی که از این رفتار ایشان تعجب می‌کردند، پرسیدند: «ای پسر رسول خدا! تو نیکوکارترین مردم هستی و بیش از دیگران به صلوة رحم اهتمام داری. چگونه با مادرت هم‌غذا نمی‌شوی؟!» ایشان پاسخ داد: «شاید بر سر سفره، مادرم غذایی را مد نظر داشته باشد و من ناخواسته آن را زودتر بخورم؛ خوش ندارم چنین شود!»

خصال، ۲/۵۸۱

امام سجاد علیه السلام به ما می‌آموزد که اطاعت از پدر و مادر و نیکوکاری با آنان باید برای ما لذت‌بخش‌تر از خواب برای انسان خواب‌آلود و گواراتر از آب برای شخص تشنه باشد؛ اگر اطاعت از والدین و نیکی به آنها، تا این حد برایمان شیرین باشد:

- همواره خواسته آن‌دو را بر خواسته‌های خود ترجیح می‌دهیم **(حَتَّىٰ أُؤْتِرَ عَلَىٰ هَوَايَ هَوَاهُمَا)**؛
- رضایت و خشنودی آن‌دو را بر خشنودی خود مقدم می‌داریم **(وَ أَقْدِمَ عَلَىٰ رِضَايَ رِضَاهُمَا)**.

این امر، چیزی است که رضای خدا تعالی را برایمان به ارمان می‌آورد؛ از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده: «**رَضِيَ اللَّهُ مَعَ رَضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطَ اللَّهُ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ**؛ رضایت خدا همراه رضایت والدین و ناراضی‌تی او همراه ناراضی‌تی والدین است.» (روضه‌الواعظین و بصیرة‌المتعظین، ۲/۳۶۸)



درس سوم
نیایش ۲۴

محور سوم: نگاه ما به «نیکی‌های والدین به ما» و «نیکی‌های ما به والدین»

- برخی به این بهانه که والدین آنها در نیکی به آنها کوتاهی کرده‌اند، به تلافی برخاسته و در احسان به آن دو کوتاهی می‌کنند؛

- برخی دیگر با تصور اینکه به پدر و مادرشان خیلی نیکی کرده‌اند و حق احسان را بر آنان تمام کرده‌اند، نیکی و احسان بیشتر را در حق آنان روا نمی‌دارند.

اما از منظر امام سجاد علیه السلام که ولی بزرگوار خدا و بلد راه است، هر دو دسته به خطا می‌روند و گرفتار انحراف هستند؛ زیرا در اسلام، بایستگی و شایستگی نیکی به پدر و مادر، هیچ حدّ و مرزی ندارد مگر آنکه نیکی به آنان انسان را به معصیتی بکشاند. امام سجاد علیه السلام به ما می‌آموزد که **ما همواره بدهکار پدر و مادر خود هستیم** و باید برای ایمنی از این دو انحراف از خداوند جل جلاله بخواهیم:

۱. نیکی‌هایی را که والدینمان در حق ما داشته‌اند، در نگاه ما فراوان جلوه دهد، هر چند در واقع کم و ناچیز بوده باشند (وَأَسْتَكْتِرُ بِرَّهْمَا بِي وَإِنْ قَلَّ)؛

۲. نیکی‌ها و خدماتمان را در حق آن دو، در نگاه ما ناچیز قرار دهد، هر چند که در واقع زیاد و چشمگیر باشند (وَأَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ).

■ بایسته‌های ارتباط با پدر و مادر ■

در ادامه، شیوه صحیح و خدایسندانه تعامل با والدین را از خداوند جل جلاله درخواست می‌کنیم:

۱. صدایم را برای آنان آرام و آهسته گردان (اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي)

بلندی صدا، نشانه بی ادبی و رعایت نکردن هیبت و عظمت مخاطب و حاضران است؛ خداوند جل جلاله افرادی را که صدای خود را از صدای پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر می‌بردند، سرزنش و نهی می‌کند و در عوض، از کسانی که با صدای آهسته نزد رسول خدا سخن می‌گویند، تجلیل می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾ (حجرات: ۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بالاتر از صدای پیامبر بلند نکنید.»

بنابراین از آنجاکه باید درباره والدینمان نهایت ادب و احترام را رعایت کنیم، هرگز نباید بر سر آنان فریاد بزنیم یا با صدای بلند با آنان سخن بگوییم؛ از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿وَ اٰخِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلٰلِ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ (اسراء: ۲۴) روایت شده:

لَا تَمَلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَرِقَّةٍ وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَلَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَلَا تَقَدِّمْ قَدَامَهُمَا؛ به آن دو خیره مشو مگر با مهربانی و لطافت؛ صدایت را از صدای آن دو بالاتر مبر و دست را بالاتر از دستان آن دو قرار مده و جلوتر از آنان راه مرو! (الکافی، ۱/۲۸۵)



ابراهیم بن مهزم، روایت می‌کند شبی از نزد امام صادق علیه السلام خارج شده، به منزل رفتم. در آن شب با مادرم درباره موضوعی بگومگو کردم و با درشتی سخن گفتم. روز بعد، نماز صبح را خواندم و نزد امام صادق علیه السلام مشرف شدم. هنگامی که وارد شدم، ایشان بدون مقدمه فرمود: «ابن مهزم! دیشب چه شد که با مادرت خشن سخن گفتی؟! مگر نمی‌دانی که رحیم او خانه‌ای بوده که در آن سکونت کرده‌ای و دامن او گاهواره‌ای بوده که آن را فشرده‌ای و سینۀ او ظرفی بوده که از آن نوشیده‌ای؟!» عرض کردم: «بله می‌دانم!» فرمود: «پس با درشتی با او سخن مگو!»

بصائرالدرجات، ۲۴۳/۱

۲. سخنم را برای آنان خوشایند، شیرین و

دل‌نشین فرما (وَ أَطِيبْ لَهُمَا كَلَامِي)

در لغت آمده است: «الطَّيِّبَاتُ مِنَ الْكَلَامِ: أَفْضَلُهُ وَأَحْسَنُهُ»؛ «سخنان طیب یعنی بهترین و نیکوترین سخنان.» (العین، ۴۶۱/۷)

ریشه «ط ی ب» دلالت بر امری خوشایند و دلنشین می‌کند که باعث خوشحالی و سرور می‌شود؛ بنابراین سخن طیب، برترین سخن است که هم از جهت شیوه بیان و هم از جهت محتوا باعث خوشحالی و سرور شود.

«به نظر می‌رسد این فراز به آیه ﴿و قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (اسراء: ۲۳) اشاره دارد؛ مرحوم

طبرسی در معنای آن می‌گوید: "با سخنی نرم، لطیف، نیکو و زیبا که از لغو و زشتی تهی باشد، آنان را خطاب قرار ده به‌گونه‌ای که دربردارنده تکریم آن دو باشد و از کرامت و ارزشمندی آن دو، نزد گوینده حکایت کند." (ریاض السالکین، ۶۲/۴)

۳. خلق و خویم را با آنان نرم و ملایم گردان (وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي)

خلق و خوی ما در تعامل با پدران و مادرانمان باید چنان نرم و ملایم باشد که آنان با ما احساس راحتی کنند و بی‌هیچ دغدغه و هراسی:

- درددل نمایند و دلخوری‌ها را بیان کنند؛
- نیازهایشان را در میان بگذارند.

در روایات حتی به کیفیت نگاه کردن به آنان هم توجه شده است. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده:

«مَا وَلَدٌ بَارٌّ نَظَرَ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَىٰ أَبْوَيْهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ؛ هر فرزند نیکوکاری که هر روز به پدر و مادرش با مهربانی نگاه کند، در برابر هر نگاه، حج مقبولی برای او نوشته می‌شود!»

وقتی به جهل جوانی بانگ بر مادر زد، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همی گفت: «مگر خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟!»

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش
چو دیدش پلنگ‌افکن و پیلتن
گر از عهد خردی‌ات یاد آمدی
که بیچاره بودی در آغوش من
نکردی در این روز بر من جفا
که تو شیرمردی و من پیرزن!

گلستان سعدی



درس سوم
نیایش ۲۴

اصحاب گفتند: «ای رسول خدا، حتی اگر در هر روز صدبار نگاه کند؟» ایشان فرمود: «نَعَمْ اللَّهُ أَكْتَرُ وَأَطْيَبُ؛ آری، خداوند بزرگ‌تر و دل‌نشین‌تر است!» (الأمالی (طوسی)، ص ۳۰۷)

۴. دلم را به آنان متمایل و مهربان ساز (وَ اعْطِفْ عَلَيَّهِمَا قَلْبِي)

دل محور اصلی وجود است و همه حرکات و رفتار از آن سرچشمه می‌گیرد؛ از این رو از خداوند ﷻ می‌خواهیم دلمان را متوجه والدین و به آن دو مهربان کند تا همواره حقوق آنان را رعایت کنیم و به بهترین نحو با آنان تعامل داشته باشیم.

اگر دل‌های ما نسبت به والدینمان مهربان نباشد و صرفاً از روی انجام وظیفه و با تکلف با آنان رفتار نیکو داشته باشیم، آفات گوناگونی ممکن است به ارتباط ما با آنان لطمه بزند:

۱. پدر و مادر خیلی زود متوجه این موضوع می‌شوند و از اینکه ما با تکلف با آنان برخورد می‌کنیم در سختی و آزار قرار می‌گیرند و نیکی‌های ما به کامشان تلخ می‌شود؛
۲. وقتی کاری را با عشق و علاقه انجام نمی‌دهیم، خواه‌ناخواه از آن کم می‌گذاریم و آن‌گونه که باید، حق آن را ادا نمی‌کنیم؛ بنابراین وقتی دلمان همراهان نیست ممکن است ناخواسته در نیکی به پدر و مادر کوتاهی کنیم؛
۳. در لحظات سخت و حساس که تنها عشق می‌تواند انسان را پیش ببرد، ممکن است کم بیاوریم و از وظایفمان در برابر پدر و مادر شانه خالی کنیم.

۵. مرا چنان کن که با آنان به مدارا، ملایمت و نیکی رفتار کنم (وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا)

ممکن است پدر و مادر:

- خلق و خوی تندی داشته باشند؛
 - یا بیمار باشند و به ساعت‌ها مراقبت نیاز داشته باشند؛
 - یا پا به سن گذاشته و ناتوان شده باشند؛
- در هر صورت وظیفه از دوش ما برداشته نمی‌شود؛ باید شرایط آنها را درک کنیم و نهایت مدارا و سازگاری را با آنها داشته باشیم. آیه ۲۳ سوره اسراء ناظر به همین مداراست که می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾

«و پروردگارت حکم کرده که جز او را نپرستید و تأکید کرده به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسند، پس به آنان "آف" مگو و بر آنان بانگ مزین (با آنان را از خود مران) و با آنان به بهترین شیوه سخن بگو.»



■ امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریف می‌فرماید:

«إِنْ أَضْجَرَكَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَهُمَا إِنْ صَرَبَاكَ؛ اگر از [رفتار یا شرایط] آنان به تنگ آمدی و خسته و دل زده شدی، مراقب باش به آنان «اف» (سخنی که دلالت بر دل زدگی می‌کند) نگویی! حتی اگر تو را کتک زدند، با خشونت آنان را از خود مران!» سپس فرمود: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»؛ إِنْ صَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا "عَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ" فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ؛ اگر تو را کتک زدند به آنان بگو: "خداوند شما را ببخشد!"؛ این کلام تو، قول کریم به حساب می‌آید.» (الکافی، ۱۵۷/۲)

■ ابراهیم بن شعیب می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم که پدرم بسیار پیر و ضعیف شده و هنگامی که نیاز به قضای حاجت دارد، ما او را بر دوش خود حمل می‌کنیم.» ایشان فرمود: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلِيَّ ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعَلْ وَ لَقِمَهُ يَدِيكَ فَإِنَّهُ جَنَّةٌ لَكَ عَدَاً؛ اگر می‌توانی، این کار را خودت انجام بده و با دستانت لقمه در دهان او بگذار؛ چراکه این کار، فردا برای تو سپری [در برابر آتش] خواهد بود.» (الکافی، ۱۶۲/۲)

■ ابو حمزه ثمالی رضی الله عنه از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند:

«أَرَبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكَنَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَى عِلِّيَّينَ فِي عَرْفٍ فِي مَحَلِّ الشَّرَفِ كُلِّ الشَّرَفِ؛ چهار ویژگی است که هر کس آنها را داشته باشد خداوند او را در اعلی‌ترین در خانه‌هایی بالاتر از همه خانه‌ها، در جایی که نهایت شرافت و برتری را دارد، منزل می‌دهد:

۱. مَنْ أَوَى الْيَتِيمَ وَ نَظَرَ لَهُ فَكَانَ لَهُ أَبًا؛ کسی که به یتیمی پناه دهد و به او توجه کند و برایش پدری کند؛

۲. وَ مَنْ رَحِمَ الضَّعِيفَ وَ أَعَانَهُ وَ كَفَّاهُ؛ کسی که به ضعیف رحم کند و او را یاری و کفایت کند؛

۳. وَ مَنْ أَنْفَقَ عَلَى وَالِدَيْهِ وَ رَفَقَ بِهِمَا وَ بَرَّهُمَا وَ لَمْ يَحْزُنْهُمَا؛ کسی که برای پدر و مادرش خرج کند و با آنان مدارا و نیکی کند و آنان را غمگین نکند؛

۴. وَ لَمْ يَخْرِقْ لِمَمْلُوكِهِ وَ أَعَانَهُ عَلَى مَا يُكَلِّفُهُ وَ لَمْ يَسْتَسْعِهْ فِيمَا لَا يُطِيقُ؛ کسی که با بنده‌اش بدرفتاری نکند و او را در وظایفش یاری دهد و کاری را که طاقتش را ندارد از او نخواهد.»

(الأمالی (طوسی)، ص ۱۸۹)

۶. مرا غمخوار و دلسوز آنان قرار ده (وَ عَلَيَّهِمَا شَفِيقًا)

به نظر می‌رسد در زبان فارسی واژه‌ای نداریم که بتواند معنای «شفیق» را برساند؛ از این رو



نیکوست برخی از معانی آن را در کتاب‌های لغت مرور کنیم تا به عمق این واژه شیرین و وظیفه‌ای که در برابر پدر و مادر خود داریم پی ببریم:

- «الشَّقِيُّ» و «الشَّقَقَةُ»: «أَنْ يَكُونَ النَّاصِحُ مِنَ النَّصِيحِ خَائِفًا عَلَى الْمَنْصُوحِ. وَأَشْفَقْتُ عَلَيْهِ أَنْ يَنَالَهُ مَكْرُوهٌ.» و «الشَّقِيْقُ»: «النَّاصِحُ الْحَرِيصُ عَلَى صِلَاحِ الْمَنْصُوحِ؛ «الشَّقَقُ» و «الشَّقَقَةُ» آن است که فرد خیرخواه به سبب خیرخواهی اش بر کسی که خیرش را می‌خواهد، بهراسد. [می‌گویند: «أَشْفَقْتُ عَلَيْهِ أَنْ يَنَالَهُ مَكْرُوهٌ؛ بر او هراسیدم که امری ناخوشایند به او برسد». «الشَّقِيْقُ»: خیرخواهی که برای خیر و صلاح کسی که خیرش را می‌خواهد، حرص می‌ورزد! (العین، ۴۴/۵)
- «الإِشْفَاقُ: عِنَايَةٌ مُخْتَلِطَةٌ بِخَوْفٍ لِأَنَّ الْمُشْفِقَ يُحِبُّ الْمُشْفَقَ عَلَيْهِ وَيَخَافُ مَا يَلْحُقُهُ؛ «الإِشْفَاقُ» توجهی آمیخته با هراس؛ چراکه شخص مشفق، کسی را که بر او شفقت دارد، دوست دارد و از گزندى که به او برسد، می‌هراسد. (مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ، ۴۵۸/۱)
- «لِي عَلَيْهِ «شَفَقَةٌ» و «شَقَقُ»: رَحْمَةٌ وَرِقَّةٌ وَخَوْفٌ مِنْ حُلُولِ الْمَكْرُوهِ بِهِ مَعَ نُصِيْحٍ؛ من بر او «شَفَقَةٌ» و «شَقَقُ» دارم؛ یعنی مهربانی، ملاحظت و ترس از رسیدن امری ناخوشایند به او دارم همراه با خیرخواهی برای او. (أَسَاسُ الْبَلَاغَةِ، ۳۳۳/۱)

بنابراین در این فراز از پروردگاران می‌خواهیم چنان کند که خیرخواه پدر و مادر خود باشیم و از پیش آمد هر امر ناخوشایندی برای آنان نگران باشیم و همواره مشتاق پیشامدهای نیکو برای آنان باشیم.

آری، با پدر و مادر چنین باید بود!



افزون بر جهات اخلاقی و انسانی،

بدرفتاری با والدین چه پیامدهای منفی اجتماعی ممکن است به بار آورد؟

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می نویسد: «بدرفتاری با پدر و مادر و آزار رساندن به آنها، گذشته از اینکه نهایت حق ناشناسی و ناجوان مردی است، موجب انقراض انسانیت و انهدام جامعه است؛ زیرا بی احترامی فرزند به پدر و مادر، از جانب پدر و مادر نیز در شکل بی مهری و بی اعتنائی منعکس خواهد شد و از سوی دیگر چنانچه طبقه فرزند به پدر و مادر خود با چشم خواری و پستی نگاه کنند، از فرزندان خود هم توقع بیشتر از آنکه خود دارند نخواهند داشت و به مهربانی و دستگیری شان در روز پیری و ناتوانی امیدوار نخواهند بود و قهراً از تشکیل خانواده دلسرد خواهند شد، چنان که در بسیاری از جوانان امروز این حال مشاهده می شود!

عمومیت پیدا کردن این طرز تفکر، به طور قطع راه توالد و تناسل را می بندد؛ زیرا هرگز عاقلی عمر گران مایه را وقف پرورش نهالی نمی کند که نه میوه اش را خواهد خورد و نه در زیر سایه اش خواهد نشست و نه از تماشای آن سودی جز غم و اندوه خواهد برد!

ممکن است تصور کنیم که دولت می تواند به وسیله جایزه های گوناگون، مردم را به تشکیل خانواده تشویق کند و بدین طریق، مشکل توالد و تناسل را حل کند؛ ولی این نکته را باید متذکر بود که هیچ طریقه و رسمی از رسوم اجتماعی که پشتوانه طبیعی مانند عاطفه پدر و مادری و فرزنددی نداشته باشد قابل دوام نیست؛ گذشته از اینکه رها کردن یکی از گزینه های طبیعی، ناگزیر انسان را از یک رشته لذت های روحی پاک هم محروم خواهد ساخت.»^۱

این دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه را روایتی از امام رضا علیه السلام تأیید می کند:

خداوند تعالی آزار رساندن به پدر و مادر را حرام کرد برای اینکه در آن، خروج از بزرگداشت طاعت خدا تعالی و بزرگداشت پدر و مادر نهفته است و برای اجتناب از کفران نعمت و نابودی سپاسگزاری و برای اینکه چنین کاری به اندکی نسل و بریده شدن آن می انجامد؛ چراکه آزار والدین امور زیر را به بار می آورد: کاهش بزرگداشت پدر و مادر و حق شناسی نسبت به آنان، قطع رحم، بی رغبتی پدر و مادر به فرزندآوری و خودداری آنان از پرورش فرزند به این علت که فرزند از نیکی به آنان اجتناب کرده است. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۹۱/۲)

۱. تعالیم اسلام، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.



درس سوم
نیایش ۲۴

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

عربی	قَلَّ	هَوَى	شَرَّفَتْ	رَفِيقٌ
فارسی				
فارسی	زیاد باشد	نیکی	واجب کردی	دلسوز
عربی				

۲. ترجمه کنید.

واژگان	أَطْبَ	لَ	هُمَا	كَلَامِ	ي
ترجمه واژه به واژه					
ترجمه روان					

۳. در چه محورهایی باید نگاه و جهت گیری مان را نسبت به والدین، اصلاح کنیم؟ توضیح دهید.

۴. شش نکته ای را که باید در تعامل صحیح و خداپسندانه با والدین رعایت کنیم، نام ببرید.

۵. چرا از خداوند ﷻ می خواهیم «اعْطِفْ عَلَيْنِهُمَا قَلْبِي»؟

مراجعه و مطالعه

- با مراجعه به تفسیر نمونه و نیز تفسیر المیزان، نکات مهمی را که از دو آیه ۲۳ و ۲۴ سوره مبارکه اسراء درباره «زیبایی های رفتاری با پدر و مادر» برداشت می شود، بیان کنید.

قدرشناسی

۷) اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهَا تَرْبِيَّتِي

وَ أَثْبُتْهَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي

وَ احْفَظْ لَهَا مَا حَفِظْتَهُ مِنِّي فِي صِغَرِي

۷) معبودا، آن دو را سپاس گزار برای اینکه مرا رشد دادند

و آن دو را پاداش ده برای اینکه مرا گرامی داشتند

و آنچه را در کودکی ام درباره من نگاه داشتند،

برای آنان نگاه دار و پاداش آن را به آنان عطا فرما!

۸) اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى

أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ

أَوْ ضَاعَ قِبَلِي لَهَا مِنْ حَقٍّ

فاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا

وَ عَلِّوْا فِي دَرَجَاتِهِمَا

وَ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

۹) اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ

أَوْ أَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ

أَوْ ضَيَّعَا لِي مِنْ حَقٍّ

۸) معبودا، و هر آزاری که از من به آن دو رسیده

یا هر امر ناخوشایندی که از من به آنها رسیده

یا هر حقی که از آنها از سوی من تباه شده،

همه را وسیله ریزش گناهانشان

و بالا رفتن درجاتشان

و افزونی کارهای نیکشان قرار ده؛

ای که بدی ها را به چندین برابرش از خوبی ها تبدیل می کنی.

۹) معبودا، هر گفتاری را که در آن به من ستم کردند

یا هر کرداری را که در آن درباره من زیاده روی کردند

یا هر حقی را که از من تباه گرداندند

أَوْ قَصْرًا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ

یا هر وظیفه‌ای را که در حق من ناتمام گذاشتند،

فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

همه را به آنان بخشیدم

وَ جُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا

و به ایشان ارزانی داشتم

وَرَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا

و از تو مشتاقانه می‌خواهم بار تاوان آن را از آنان برداری؛

فَإِنِّي لَا أَتَمُّهُمَا عَلَى نَفْسِي

زیرا من درباره خود، به آن دو بدگمان نیستم

وَلَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بَرِّي

و آن دو را در نیکی به خویش اهل درنگ نمی‌پندارم

وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِي

و از آنچه درباره من بر عهده داشته‌اند ناخشنود نیستم؛

يَا رَبِّ

ای پروردگار من.

نمایی از دعا

رنج‌هایی که پدر و مادر برای تربیت فرزند متحمل می‌شوند، چه ارزشی نزد خداوند دارد؟ واکنش فرزندان در مقابل رفتار نادرست والدین یا کوتاهی‌های آنان چگونه باید باشد؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

أَشْكُرُ	أَثِبُ	إِحْفَظُ	مَسَّ	أَذَى
حِطَّةٌ	عُلُوٌّ	زِيَادَةٌ	مُبَدَّلٌ	أَضْعَافٌ
تَعَدَّيَا	صَيِّعَا	قَصْرًا	وَهَبْتُ	جُدْتُ

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
تَرْبِيَةٌ	پروراندن، رشد دادن و بزرگ کردن	ماده «ربو» به معنای زیاد شدن است. «تَرْبِيَةٌ»، مصدر باب تفعیل است. «رَبَّيْ فُلَانًا: او را پروراند»؛ زیرا پروراندن نوعی زیاد کردن و توسعه دادن در وجود شخصی است که پرورنده می شود.
تَكْرِمَةٌ	بزرگ داشتن، گرامی داشتن	ماده «كرم» به معنای با ارزش بودن است. «تَكْرِمَةٌ»، مصدر باب تفعیل است. وقتی درباره اشخاص به کار می رود، به معنای این است که با آنان به صورت شخصی با ارزش و دارای جایگاهی بلند برخورد شود.
ضَاعَ	تباه شد، از میان رفت	ماده «ضی ع» به معنای گم شدن، تباه شدن و از میان رفتن است. «ضَاعَ» در فراز هشتم به معنای تباه شدن و «صَيَّعَ» در فراز نهم به معنای تباه کردن است.

شرح دعا

■ ناتوانی ما از ادای شکر پدران و مادران

در فراز هفتم به سه نیکی از نیکی های پدر و مادر خود اشاره می کنیم و از خداوند ﷻ می خواهیم خودش آن نیکی ها را برای آنان جبران کند؛ این سه نیکی عبارت اند از:

۱. پروراندن ما (اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي)

آنان با تحمل سختی های بسیار و بدون توقع هیچ پاداشی از سوی ما، ما را از نظر **جسمی**، **فکری**، **روانی** و **معنوی** رشد دادند؛ با چه زبانی آنان را سپاس گزاریم؟!

۲. گرامی داشتن ما (وَ أَتَيْهُمَا عَلَي تَكْرِمَتِي)

آنان به ما شخصیت دادند و مانند اشخاصی ارزشمند با ما رفتار کردند؛ چه پاداشی درخور این رفتار به آنان تقدیم کنیم؟!

۳. مراقبت از ما (وَ أَحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صَغَرِي)

در کودکی، آنان دلسوزانه از ما مراقبت کردند و ما را از خطرات گوناگون دور نگه داشتند؛ ما که رفتنی هستیم چگونه این خدمت آنان را نگاه داریم و از فراموشی حفظ کنیم؟!



در این سه جمله نورانی، دست کم سه نکته ارزشمند درباره **پروراندن، گرمی داشتن و مراقبت از فرزندان**، نهفته است:

نکته ۱: از هر پدر و مادری انتظار می رود این سه را وظیفه خود بدانند و در انجام آنها کوتاهی نکند؛

نکته ۲: این سه کار چنان ارزشمند هستند که هیچ یک از ما قادر نیستیم در برابر آنها پدر و مادر خود را سپاس‌گزاریم و به آنان پاداش دهیم بلکه باید دست به دامان پروردگارمان شویم و از او بخواهیم که خودش این نیکی‌های ارزشمند را برای آنان جبران کند؛

نکته ۳: اینها کارهایی مقدس و آسمانی هستند که خداوند ﷻ آنها را دوست دارد و از این روست که سپاس آنها را به جا می آورد و در برابر آنها پاداش می دهد.

این فراز بخشی از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام را به یاد می آورد:

أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَأَنْ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَ تَنْشُرَ لَهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ أَمْكَنْ مَكَافَأَتَهُ بِالْفِعْلِ كَأَفَاتِهِ وَ إِلَّا كُنْتَ مُرْصِداً لَهُ مُؤَظِناً نَفْسَكَ عَلَيْهَا؛ حق کسی که به تو نیکی کرده این است که او را سپاس‌گزاری و نیکی‌اش را یاد کنی و گفتار نیک درباره او نشر دهی و میان خود و خدای سبحان خالصانه برای او دعا کنی؛ چراکه اگر چنین کنی او را در نهان و آشکار سپاس گزارده‌ای. آنگاه اگر پاداش دادن به او اکنون امکان داشت، به او پاداش دهی وگرنه در کمین موقعیت مناسب باشی و جانت را برای آن (پاداش به او) آماده کنی. (تحف العقول، ص ۲۶۵)

■ پاداش اذیت شدن والدین از ناحیه فرزندان ■

همه می دانیم خواسته یا ناخواسته منشأ ناگواری‌های بسیاری برای پدران و مادرانمان بوده‌ایم. اگر خود پدر و مادر شده باشیم و این ناگواری‌ها را چشیده باشیم، بهتر درک می‌کنیم که چه بر سر پدر و مادر خود آورده‌ایم:

- گاه باعث رنج و آزار آنان شده‌ایم (اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى)

- گاه اسباب ناخشنودی آنان را فراهم کرده‌ایم (أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ)

- گاه حقوق آنان را ضایع کرده‌ایم (أَوْ ضَاعَ قِبَلِي لَهُمَا مِنْ حَقِّ)

هرچند پدر و مادر با عشق و گذشت همه این ناگواری‌ها را به جان می‌خرند و حتی بسیاری از آنها را فراموش می‌کنند، ما فرزندان نباید فراموش کنیم و راحت از کنار آنها بگذریم؛ برای همین در این فراز از پروردگارمان می‌خواهیم به واسطه این ناگواری‌هایی که پدران و مادرانمان از ناحیه ما تحمل کرده‌اند، آنان را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد؛ بدین‌گونه که آن سختی‌ها را:



- سبب ریزش گناهان آنان قرار دهد (فَجَعَلَهُ حِطَّةً لِّذُنُوبِهِمَا)؛ از امیرمؤمنان علیه السلام درباره بیماری ای که فرزند دچار آن می شود (و در نتیجه، پدر و مادر به زحمت می افتند) پرسیدند؛ ایشان فرمود: «كَفَّارَةٌ لِّوَالِدَيْهِ؛ [بیماری فرزند] کفاره گناهان پدر و مادر اوست!» (الکافی، ۵۲/۶)
- باعث افزایش درجات و مقامات آنان قرار دهد (عُلُوًّا فِي دَرَجَاتِهِمَا)؛
- باعث افزوده شدن به اعمال نیک آنان قرار دهد (زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا)؛

وقتی امام سجاد علیه السلام - به عنوان یک پیشوای معصوم - خواسته ای را به درگاه الهی می برد، بدین معناست که آن خواسته، نه یک آرزوی دست نیافتنی بلکه امری **شدنی و تحقق پذیر** است؛ بنابراین

اشارت و هدایت

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد درحالی که ناله ایشان صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بلند بود! جبرئیل گفت: «ای حبیب خدا، چرا ناله می کنی؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از دست دو نوزادی که از گریه هایشان به رنج افتاده ایم!» جبرئیل گفت: «دست نگه دار محمد! برای اینان پیروانی خواهند آمد که تا سن هفت سالگی گریه هایشان ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است؛ هنگامی که هفت ساله شدند گریه هایشان استغفار برای والدینشان خواهد بود تا اینکه به بلوغ برسند؛ هنگامی که به بلوغ رسیدند، هر عمل نیکی که انجام دهند برای والدینشان نیز ثبت می شود؛ ولی کارهای ناشایستشان برای آن دو نوشته نمی شود!»

الکافی، ۵۲/۶

سختی هایی که والدین در مسیر پرورش فرزندان به جان می خزند، **حقیقتاً** قابلیت این را دارد که آن برکات ارزشمند را برای آنان به ارمغان آورد؛ یعنی:

- گناهان آنان را پاک کند؛
- آنان را در پله های انسانیت و معنویت بالا برد؛
- کوله بار نیکی های آنان را پر بارتر کند.

می توان گفت سختی های فرزندپروری **گونه ای** **متعالی از ریاضت های مقدس شرعی** است که اگر با بینش و نیت الهی انجام شود، می تواند والدین را به بهشت سعادت و رستگاری برساند. البته نباید از یاد ببریم که این برکات تنها در

سایه لطف ویژه خدا صلی الله علیه و آله امکان پذیر خواهند بود؛ همان خدایی که می تواند بدی های فرزندان را چندین برابر کرده، به نیکی هایی برای والدین تبدیل کند؛ از این روست که این فراز را با این ندای زیبا و امیدبخش به پایان می بریم: «يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ»

■ واکنش صحیح فرزند به بدرفتاری والدین

پدر و مادر نیز باید مراقب باشند که با فرزندانشان بدرفتاری نکنند و به وظایف خود درباره آنان عمل کنند. رفتار نادرست پدران و مادران با فرزندان، آثار منفی فراوانی در پی دارد و خشم و غضب الهی را بر می انگیزد.



درس چهارم
نیایش ۲۴

امام سجاد علیه السلام برخی از بد رفتاری های والدین در حق فرزندان را چنین بر می شمرد:

ا. ظلم و تجاوز از حدود در سخن گفتن با فرزند (ما تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ)

پدر و مادر حق ندارند هنگام سخن با فرزندان، از هر واژه یا عبارتی استفاده کنند. آنان باید به گونه ای سخن بگویند که کرامت فرزندان حفظ شود و شخصیتشان آسیب نبیند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده:

أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت

کنید تا آموخته شوید! (مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲)

همچنین پدر و مادر باید مراقب باشند مبدا:

■ هنگام حضور فرزندان، با سخنانشان آنان را بیازارند؛

■ هنگام عدم حضور آنان، از آنان غیبت کنند.

ب. زیاده روی در برخورد با فرزند (أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ)

اسراف به معنای زیاده روی است. پدر و مادر با ایمان همواره مراقب هستند که در رفتار خود با فرزندان از هرگونه زیاده روی بپرهیزند؛ زیرا زیاده روی - به هر شکلی که باشد - ممکن است آثار سوء تربیتی به بار آورد؛ به عنوان نمونه:

■ برخی والدین با دلیل یا بدتر از آن بدون دلیل، فرزندان خود را تنبیه بدنی می کنند و به آنان آسیب می رسانند؛

■ برخی دیگر از این طرف بام سقوط می کنند و با رفتارهای به ظاهر محبت آمیز، فرزندان خود را نازپرورده و بی مسئولیت بار می آورند؛

همه اینها اسراف و زیاده روی و در نتیجه، ستم به فرزند است. پدر و مادر وظیفه شناس همواره با مطالعه و پیگیری، آداب و مهارت های فرزند پروری را می آموزند و با دقت اجرا می کنند.

ت. تباه کردن حقوق فرزند (صَيَعَاهُ لِي مِنْ حَقِّي)

از یک نگاه می توان حقوق فرزند را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

■ حقوق انسانی: حقی که هر انسانی از آن جهت که انسان است، از آن برخوردار است؛ مانند: حقوق مالی؛

■ حقوق فرزند: حقی که هر انسانی از آن جهت که فرزند است، بر عهده والدین خود دارد؛ به عنوان نمونه در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام آمده است:



أَمَّا حَقُّ وَوَلَدِكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مَصَافٍ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُليْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ ﷺ وَ الْمَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُتَّابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ؛ حق فرزندان این است که بدانی او از توست و در خیر و شرش در دنیا منسوب به توست و از تو درباره اموری که نسبت به او بر عهده تو گذارده شده، خواهند پرسید؛ یعنی درباره نیکو ادب نمودن او، راهنمایی او به سوی پروردگارش و باری او در فرمان برداری از پروردگارش؛ پس درباره او همانند کسی عمل کن که می داند به خاطر

نیکی به او، پاداش می گیرد و به خاطر بدی به او، کیفر می شود! (کتاب من لا یحضره الفقیه، ۶۲۲/۲)

پدر و مادر نباید هیچ یک از این دونوع حق را تباه کنند؛ مثلاً اگر اموالی از فرزندان در اختیار دارند، باید امانت دار باشند تا فرزندان به سن بلوغ و رشد برسد و اموالش را تحویل بگیرد (البته سرپرست شرعی می تواند آن اموال را در اموری که به مصلحت فرزند تشخیص می دهد، هزینه کند).

ث. کامل نکردن وظایف خود نسبت به فرزند (قَصْرًا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ)

در بخش های پیشین آموختیم که پدر و مادر وظایف گوناگونی در ارتباط با فرزندانشان بر

عهده دارند؛ آنان نباید در هیچ موردی از این وظایف، کار خود را نیمه تمام رها کنند بلکه باید تمام توان خود را به کار گیرند تا وظیفه خود را بی هیچ کاستی و کوتاهی انجام دهند و فرزند را به حق واجبی که پروردگار هستی برای او قرار داده، برسانند.

در هر صورت پرسش این است که اگر پدران و مادرانمان با ما بد رفتاری کردند یا ستمی روا داشتند، خداوند ﷻ چه واکنشی را از ما می پسندد؟

امام سجاد علیه السلام به ما می آموزد در این گونه موارد نه تنها در عمل و ظاهر نباید با پدر یا مادر، تندی و بی مهری کنیم بلکه باید در اعماق دل نیز آنان را ببخشیم و این بخشایش را با پروردگاران در میان بگذاریم:

«فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا وَ جُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا»

اشارت و هدایت

مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و از بد اخلاقی مادرش شکایت کرد؛ ایشان فرمود:

«آن زمان که نه ماه تو را حمل کرد، بد اخلاق نبود!»

مرد که از دست مادرش به ستوه آمده بود، گفت:

«او خیلی بد اخلاق است!» رسول خدا ﷺ فرمود:

«آن زمان که دوسال، به تو شیر داد، بد اخلاق نبود!»

مرد سماجت کرد و بار دیگر گفت: «آخر او خیلی

بد اخلاق است!» پیامبر ﷺ به او گفت:

«آن زمان که برای تو شب را به بی خوابی و روز را به

تشنگی گذراند، بد اخلاق نبود!»

در نهایت، مرد با گستاخی گفت: «من پاداش

زحمات او را داده ام!» پیامبر ﷺ فرمود: «مگر چه

کرده ای؟» مرد گفت: «او را بر روی شانه هایم به

حج بردم!»

حضرت ﷺ فرمود: «با این کار حتی پاداش درد

زایمان او را هم نداده ای!»

تفسیر الکشاف، ۶۵۹/۲



درس چهارم
نیایش ۲۴

حتی سزاوار است از این نیز فراتر رویم و با اشتیاق و زاری از پروردگارانم بخواهیم او نیز از آنان بگذرد و پیامدهای دنیایی یا آخرتی ای را که به واسطه رفتار نادرستشان با ما بر دوش آنان آمده، از دوش آنان بردارد (وَ رَغَبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا).

آری، باید از پروردگارانم بخواهیم به آنان رحم کند همان گونه که آنان در کودکی به ما رحم کردند و ما را پروراندند:

﴿ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴾ (اسراء: ۲۴)

■ گمان نیکو به والدین ■

شاید همین اندازه اندیشیدن به بدی‌های پدر و مادر هم چندان روا نباشد؛ یعنی همین قدر که آن بدی‌ها را به یاد می‌آوریم تا آنها را ببخشیم! بنابراین باید خیلی زود بکوشیم آنها را از صفحه ذهنمان پاک کنیم؛ اما چگونه؟ راهش این است که به درگاه الهی عرضه بداریم: از بدرفتاری‌های آنها گذشتم و از تو خواستم که تو نیز پیامدهای بدرفتاری آنها را از دوششان برداری، برای این است که:

■ من درباه خود به آنان گمان بد نمی‌برم (فَإِنِّي لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَي نَفْسِي)؛ من هرگز آنان را

متهم نمی‌کنم که آگاهانه و بدخواهانه به من ستم کرده باشند؛ نه هرگز!

■ از نگاه من آنان به هیچ وجه در نیکی به من کندی یا سستی نکرده‌اند (وَ لَا أَسْتَبِطُهُمَا فِي

بِرِّي)؛ من بر این باورم آنان هرچا توانسته‌اند بی‌درنگ در نیکی به من شتافته‌اند!

■ من هرگز از اموری که آنان درباره من بر عهده گرفته‌اند، ناخشنود نیستم (وَ لَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ

مِنْ أَمْرِي)؛ من خرسندم که امور من به دست آنان بوده است!

خلاصه اینکه هیچ چیزی در دل من وجود ندارد که بخواهد آسمان دل من را برای آنان ابری و طوفانی کند؛ نه بدگمانی‌ای، نه کینه‌ای، نه ناخرسندی‌ای!

پس از اینکه این جملات را بر زبان آوردیم نوبت به آن می‌رسد که بار دیگر پروردگارانم را ندا دهیم

با همان نامی که ما را به یاد پروردگاری او می‌اندازد و اینکه او همواره هوای ما را داشته و امورمان را سامان داده است؛ همان نامی که بار دیگر چشمه‌های لطف او را جاری می‌کند و صدای لیبیک او را از

کنگره عرش به گوش جانمان می‌رساند؛ آری، با «یا رَبِّ»



فدرشناسی

رواق اندیشه

در فراز نهم، با اینکه در جمله «فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا وَ جَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا» به درگاه الهی اعلام می‌کنیم از همه ستم‌ها و کوتاهی‌های والدینمان در حق خودمان، چشم پوشیده‌ایم، چرا در ادامه می‌گوییم: «وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتِهِ عَنْهُمَا»؛ مگر با وجود بخشایش ما، هنوز پیامدی برای والدینمان باقی می‌ماند؟

پاسخ به این پرسش در گرو به یاد آوردن حقیقتی است که نه تنها در آیات و روایات بر آن تأکید شده است، براهین عقلی نیز آن را به روشنی اثبات کرده‌اند: «در تمام دار هستی تنها یک مالک حقیقی وجود دارد و او آفریدگار هستی است.»

﴿وَاللَّهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (آل عمران: ۱۸۹)

با توجه به این حقیقت قرآنی در خواهیم یافت که هیچ‌یک از آفریدگان حقی ندارد مگر به اذن آفریدگار هستی؛ بنابراین هر کجا حقی برای بندگان خدا وجود داشته باشد (مانند حقوق فرزندی)، در رتبه بالاتر از آن، حقی برای خدا ﷻ نیز وجود دارد؛ به بیان دیگر، **حق الناس** همواره در پی **حق الله** ثابت می‌شود. از این رو، اگر کسی حق بنده‌ای از بندگان خدا را پایمال کند، در واقع دو حق را پایمال کرده است که هر یک پیامدهای خود را دارد:

۱. حق خدا

۲. حق بنده خدا

هنگامی که فرزندی، کوتاهی‌های پدر و مادر خود را می‌بخشد، صرفاً به اذن خداوند ﷻ، آنها را از پیامدهای پایمال کردن حقوق خود رها نیده است و همچنان پیامدهایی به واسطه حقوق خداوند ﷻ بر عهده پدر و مادر وجود دارد مگر اینکه خداوند ﷻ نیز آنان را بیامرزد.

در قوانین اجتماعی که حکومت‌ها وضع می‌کنند نیز شبیه این امر وجود دارد؛ به عنوان نمونه، اگر کسی بر دیگری چاقو بکشد و به او آسیب برساند، حتی اگر شخص آسیب‌دیده رضایت دهد و از او بگذرد، حکومت همچنان برای خود این حق را قائل است که شخص ضارب را به واسطه نقض قوانین اجتماعی، مجازات کند و به زندان افکند.



درس چهارم
نیایش ۲۴

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

عربی	أَذَى	وَهَبْتُ	مَسَّ	أَضَاعَ
فارسی				
فارسی	بلندی	فزونی	تباه کردند (آن دو)	تبدیل کننده
عربی				

۲. ترجمه کنید.

واژگان	إِنَّ	ي	لَا أَتَيْهِمْ	هُمَا	عَلَى	نَفْسِ	ي
ترجمه واژه به واژه							
ترجمه روان							

۳. چه نکات ارزشمندی از فراز هفتم می توان برداشت کرد؟

۴. سختی های فرزندپروری، زمینه چه برکاتی را برای والدین فراهم می آورد؟

۵. در برابر بدرفتاری های والدین، چه واکنشی از ما پسندیده است؟

مراجعه و مطالعه

- با مراجعه به «بَابُ حَقِّ الْأَوْلَادِ» از جلد ششم کتاب الکافی (ص ۴۸)، فهرستی از حقوقی که فرزندان بر عهده والدین خود دارند، تهیه کنید.